



چهارشنبه بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۵۷۴

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه های قضائی - عهدنامه ها - آئیننامه ها
تصویب نامه ها - تصمیم نامه ها - اساسنامه ها و آگهیها

تک شماره ۵۰۰ تومان

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	هیأت وزیران	۱۳۹۷/۷/۲۴	رأی شماره ۱۶۴۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تصویب نامه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ هیأت وزیران
۳	شورای اسلامی شهر یاسوج	۱۳۹۷/۷/۲۴	رأی شماره ۱۶۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۴	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۷/۸/۱۵	رأی شماره ۱۷۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۵	شورای اسلامی شهر شیراز	۱۳۹۷/۱۱/۲	رأی شماره ۱۹۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱- ج و تبصره ۲ الحاقی مصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و تبصره ۳ ماده ۲۱ مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ شورای اسلامی شهر شیراز
۸	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۹۷/۱۱/۲	رأی شماره ۱۹۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۹	هیأت وزیران	۱۳۹۷/۱۱/۹	رأی شماره ۱۹۹۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه اصلاح ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت موضوع تصویب نامه شماره ۴۱۴۷/ت/۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ هیأت وزیران
۱۰	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۱۳۹۷/۱۱/۹	رأی شماره های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه های شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۶۰/۱۲۴۰۰۳ و ۱۳۹۶/۵/۲۲ - ۱۳۹۶/۶/۹ وزیر صنعت، معدن و تجارت
۱۲	وزارت آموزش و پرورش	۱۳۹۷/۱۱/۹	رأی شماره های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه های ۲۰۲/ص/۲۵۰۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱ مدیریت استان قم (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش
۱۶	شورای اسلامی شهر خارگ	۱۳۹۷/۹/۲۰	رأی شماره ۱۸۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره ۲۴۰۴ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شهرداری خارگ مصوب شورای اسلامی شهر خارگ
۱۷	شورای اسلامی شهر تهران	۱۳۹۷/۹/۶	رأی شماره ۱۵۵۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه جلسه ۳۴۶ شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ با موضوع مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه کاره

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۶۰۰۹۵۵

۱۳۹۷/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۶۴۴ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ با موضوع: «ابطال تصویب نامه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ هیأت وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۷/۲۴ شماره دادنامه: ۱۶۴۴ شماره پرونده: ۹۵۵/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: دیوان محاسبات کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصویب نامه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰

هیأت وزیران

گردش کار: معاون حقوقی، مجلس و تفریح بودجه دیوان محاسبات کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۰۰۰/۷۴۳ - ۱۳۹۶/۵/۳۱ ابطال تصویب نامه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص تصویب نامه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ هیأت وزیران مبنی بر کاهش سود بازرگانی ورود کالا از مناطق آزاد تجاری و صنعتی به سرزمین اصلی به استحضار عالی می رساند:

۱- وفق ماده (۱۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری، صنعتی جمهوری اسلامی ایران، مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنی هستند و مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده هر منطقه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید مبادلات بازرگانی مناطق با سایر نقاط کشور اعم از مسافری و تجاری تابع مقررات عمومی صادرات و واردات کشور می باشد.

۲- به موجب ماده (۲۰) قانون صادرات و واردات، دولت مکلف است از ابتدای سال ۱۳۷۳ از واردکنندگان بخشهای غیردولتی که به صورت تجاری کالا وارد می نمایند، برابر یک درصد (۱٪) از مجموع وجوه دریافتی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه کالاهای وارداتی را علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی مقرر به عنوان عوارض ویژه دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید. همه ساله معادل صد در صد (۱۰۰٪) مبالغی که از این بابت به حساب درآمد عمومی کشور واریز می گردد از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش بینی می شود تا بر اساس آیین نامه اجرایی این قانون جهت تشویق و توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی و همچنین راه اندازی صندوق تضمین صادرات، آموزش و تبلیغات بازرگانی به مصرف برسانند.

نظر به اینکه در قوانین مذکور هیچ گونه ترجیح و امتیازی برای تعیین و دریافت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای وارداتی از مناطق آزاد به داخل کشور مقرر نگردیده، بر همین اساس تصویب نامه صدرالذکر مبنی بر اینکه عوارض دریافتی توسط سازمانهای مناطق آزاد از کالاهایی که به صورت تجاری از مناطق آزاد تجاری - صنعتی به سرزمین اصلی وارد می شوند موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۶۹۹۴/ت/۴۷۲۵۷ هـ - ۱۳۹۰/۹/۲۶ در مورد هر کالا دو درصد کمتر از میزان کاهش سود بازرگانی ورود کالا از مناطق مذکور به سرزمین اصلی تعیین می گردد از حیث ادامه روند ترجیح و امتیاز برای کالاهای وارداتی از مناطق آزاد تجاری - صنعتی به سرزمین اصلی مجدداً و برای سال جاری مغایر قانون ارزیابی می گردد، لذا بنا به اهمیت موضوع جهت جلوگیری از تضییع حقوق بیت المال و وصول صحیح حقوق ورودی و مالیات و عوارض متعلقه در اجرای مواد (۱۲) و (۱۳) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، انعکاس نتیجه اقدامات معمول و ابطال تصویب نامه اخیرالصدور مورد استدعی است.

(شایان ذکر است ریاست مجلس شورای اسلامی طی نامه های شماره ۳۱۲۸۲ هـ/ب -

۱۳۹۰/۵/۱۷ و ۵۲۳۸۱ هـ/ب - ۱۳۹۰/۸/۲۲ ایرادات قانونی به مصوبه های مشابه قبلی

به شماره های ۶۴۶۴۸/ت/۲۹۲۹۱ هـ/ب - ۱۳۸۲/۱۲/۱۶ و ۱۳۴۸۸۱/ت/۴۷۲۵۷ هـ - ۱۳۹۰/۷/۶

مبنی بر عدم وجود ترجیح و امتیاز برای کالاهای وارداتی از مناطق آزاد را بر شمرده و موضوع کاهش سود بازرگانی از طریق مناطق آزاد تجاری و صنعتی را مغایر قانون دانسته است.»
متن تصویب نامه مورد اعتراض به لحاظ اصلاحیه شماره ۵۳۲۷۴/ت/۸۲ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ به قرار زیر است:

«وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت صنعت، معدن و تجارت، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی ویژه اقتصادی

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۲/۱۷ به پیشنهاد شماره ۶۰/۷۷۷۵۹ - ۱۳۹۵/۴/۱ وزارت صنعت، معدن و تجارت و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد: عوارض دریافتی توسط سازمانهای مناطق آزاد از کالاهایی که به صورت تجاری از مناطق آزاد تجاری - صنعتی به سرزمین اصلی وارد می شوند موضوع تصویب نامه شماره ۱۸۶۹۹۴/ت/۴۷۲۵۷ هـ - ۱۳۹۰/۹/۲۶ در مورد هر کالا حداکثر دو درصد کمتر از میزان کاهش سود بازرگانی ورود کالا از مناطق مذکور به سرزمین اصلی تعیین می گردد.»
در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاونت امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۳۴۶۵۸/۹۵۱۶۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۴ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیرکل محترم دفتر هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

اعلام می دارد:

۱- ضمن اینکه به موجب قسمت اخیر ماده (۱۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۲/۶/۷)، مقرر گردیده است: «... مبادلات بازرگانی مناطق با سایر نقاط کشور اعم از مسافری و تجاری تابع مقررات عمومی صادرات و واردات کشور می باشد.» برابر مفاد بند (د) ماده ۱ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۹۰)، تعیین سود بازرگانی در چنین مواردی به شرح تعریف ذیل بر عهده دولت قرار گرفته است:

«د - حقوق ورودی: حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالا به اضافه سود بازرگانی که توسط هیأت وزیران تعیین می گردد به علاوه وجوهی که به موجب قانون، گمرک مسئول وصول آن است و به واردات قطعی کالا تعلق می گیرد ولی شامل هزینه های انجام خدمات نمی شود.»

۲- بنا به مراتب و اختیارات قانونی یاد شده هیأت وزیران برابر مصوبه شماره ۱۸۶۹۹۴/ت/۴۷۲۵۷ هـ - ۱۳۹۰/۹/۲۶، میزان سود بازرگانی کالاهایی که به صورت تجاری از مناطق آزاد تجاری - صنعتی به سرزمین اصلی وارد می شوند را معادل ۱۵ درصد ارزش سیف کالاهای مذکور کاهش داده است که کاملاً مبتنی بر موازین قانونی مربوطه می باشد. در ضمن این مصوبه مورد اعتراض شاکي نیز نمی باشد.

۳ - در رابطه با تعیین میزان عوارض، لازم به توضیح است، برابر ماده ۱۰ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی، در خصوص چگونگی اخذ عوارض در این مناطق مقرر گردیده است: «ماده ۱۰ - سازمان هر منطقه می تواند با تصویب هیأت وزیران در مقابل انجام خدمات شهری و فراهم نمودن تسهیلات مواصلاتی، بهداشتی، امور فرهنگی، آموزشی و رفاهی از اشخاص حقیقی و حقوقی منطقه عوارض اخذ نماید.»

در ضمن آیین نامه اجرایی این ماده در سال ۱۳۷۲ به تصویب اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی (با توجه به اختیار تفویضی هیأت وزیران، موضوع تصویب نامه شماره ۲۱۱۱۵/ت/۲۱۱ هـ - ۱۳۷۲/۷/۸) رسیده و برابر ماده ۲ آن، عوارض مشروحه مربوطه تصریح و در بند (د) این ماده در خصوص عوارض واردات یا صادرات کالا، متن ذیل عنوان می گردد:

(د - عوارض کالا وجوهی است که سازمان از اشخاصی که قصد واردات کالا از خارج به منطقه و یا قصد حمل کالا از منطقه به سایر نقاط کشور را دارند اخذ می نماید». لازم به ذکر است هر چند برابر ماده ۴ همان آیین نامه تعیین میزان عوارض مقرر در ماده ۲ موصوف بر عهده هیأت مدیره هر منطقه قرار گرفته است لیکن در اجرای ماده ۱۰ قانون این موضوع مانع از تعیین عوارض مربوطه توسط هیأت وزیران نمی باشد.

با توجه به موارد مرقوم و به منظور ایجاد انگیزه و صرفه اقتصادی در واردات کالا از این مناطق به سرزمین اصلی، هیأت وزیران برابر مصوبه شماره ۱۸۲۹۶/ت/۵۳۲۷۴ هـ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ (مورد اعتراض شاکي) اقدام به کاهش عوارض دریافتی این مناطق در رابطه با کالاهای موضوع تصویب نامه پیش گفته که به صورت تجاری از این مناطق به سرزمین اصلی وارد می شوند، در مورد هر کالا به (۲) درصد کمتر از میزان کاهش سود بازرگانی یاد شده می نماید. بدیهی است با امعان نظر به موازین قانونی یاد شده، این مقرر نیز در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی دولت، وضع گردیده است.

۴ - لازم به تاکید است با توجه به مفاد ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده

(مصوب ۱۳۸۷) مبنی بر ممنوعیت اخذ هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

آقایان ابراهیم افشون و حشمت‌اله نظری‌زاده به عنوان مالک در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۷۶ اقدام به اخذ پروانه ساختمانی از شهرداری یاسوج نموده و حسب مقررات تمامی هزینه‌های متعلقه را نقداً پرداخت کرده‌اند. متعاقباً مشارالیهما املاک موضوع پروانه را به این شرکت منتقل نموده‌اند. نهایتاً منتقل الیه به قائم‌مقامی مالکین سابق در سال ۱۳۹۴ جهت اخذ گواهی پایانکار به شهرداری یاسوج رجوع نمود. در مقابل آن شهرداری طبق تعرفه شماره ۲۱ شورای اسلامی شهر یاسوج که بدون اعتنا به مفاد رأی وحدت رویه شماره ۸۰/۳۶۶-۱۳۸۰/۱۲/۳ تصویب و بدون در نظر گرفتن آن که رعایت آن برای تمامی مراجع لازم‌الاجراست، مبلغ ۲/۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال علاوه بر مبلغی که سابقاً تعیین و پرداخت شد را دریافت نمودند. بنا علیهذا دریافت اخیر به دلالت رأی پیش گفته، مضاعف تلقی می‌شود.

۲- تبصره ۶ تعرفه شماره ۲۱ شورای اسلامی شهر یاسوج اشخاص حقوقی را نسبت به پرداخت ۱۰٪ سهم شهرداری ملزم نموده لکن این مورد مبنای قانونی ندارد چرا که اولاً: اخذ ۱۰٪ بهای روز زمین به عنوان سهم شهرداری در هیچ یک از قوانین مربوط به شهرداری و نیز سایر قوانین معتبر موجود تعیین نشده است. ثانیاً: شورای اسلامی مزبور خارج از حدود اختیارات خود جهت تصویب تبصره موصوف اقدام نموده است. ثالثاً: اعمال تبعیض بین اشخاص حقیقی و حقوقی در این خصوص بلاوجه بوده و فاقد مستند قانونی می‌باشد. رابعاً: اشخاص مالکیت کامل بر اموال خویش داشته و اخذ هر نوع وجهی طبق اصول بدیهی و قانونی بایستی به موجب قانون پرداخت گردد.

تقاضای ابطال تعرفه شماره ۲۱ که اعتقاد دارد با قوانین موجد حق مغایر است را به صورت خارج از نوبت و مستنداً به مواد ۱۲ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از آن محضر تمنا دارد.»

شاکلی به موجب لایحه تکمیلی شماره ۲۱۱۸۴ - ۱۳۹۶/۲/۳۰ اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد دیوان عدالت اداری

موضوع: تقدیم لایحه در پرونده کلاسه ۵۵۵/۹۵

سلام علیکم

با احترام در خصوص پرونده کلاسه فوق‌الذکر موضوع دعوی شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران به طرفیت شورای اسلامی شهر یاسوج به خواسته ابطال تعرفه شماره ۲۱ آن شورا در سال ۱۳۹۴ به استحضار آن مقام می‌رساند: نظر به اینکه تعرفه مذکور در قالب جدولی تنظیم شده که مفاد آن مغایر قوانین و مقررات مربوطه و حقوق شرکت متبوع می‌باشد و خواسته نیز به طور کلی ابطال تعرفه شماره ۲۱ بوده و تمامی ملحقات آن از جمله تبصره‌ها را نیز در بر می‌گیرد، لذا تقاضای بررسی موضوع نهایتاً صدور دستور شایسته مبنی بر ابطال تبصره‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ تعرفه شماره ۲۱ شورای اسلامی شهر یاسوج را دارد.»

متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

تعرفه عوارض شهرداری یاسوج در سال ۱۳۹۴:

تعرفه شماره (۲۱):

تبصره(۱): به مالکین حقیقی که قبل از اتمام مهلت مندرج در پروانه ساختمانی جهت تمدید آن مراجعه می‌کنند به جز عوارض نوسازی و عوارض کارشناسی شهرسازی، عوارضی تعلق نمی‌گیرد.			
تبصره(۲): به مالکین حقیقی که بعد از اتمام مهلت مندرج در پروانه ساختمانی جهت تمدید آن مراجعه می‌کنند، علاوه بر عوارض نوسازی و کارشناسی، عوارض این تعرفه تعلق می‌گیرد.			
تبصره(۳): چنانچه مالک حقیقی به دلایل موجه از جمله تعطیلات رسمی متوالی، بیماری و یا فوت بستگان درجه یک به موقع جهت تمدید پروانه مراجعه نمایند و حداکثر ظرف سه هفته از تمدید پروانه بگذرد مشمول تبصره ۱ می‌گردند.			
تبصره(۴): به کلیه مالکین حقوقی که جهت تمدید پروانه مراجعه می‌کنند صرفنظر از زمان مراجعه، عوارض تمدید (عوارض متعلقه بر اساس محاسبه روز - پرداخت قبلی عوارض متعلقه) + عوارض نوسازی تعلق می‌گیرد.	بندب ۱۶ ماده ۷۱ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات	عوارض متعلقه بر اساس محاسبه روز - پرداخت قبلی عوارض متعلقه «عوارض نوسازی مالیات	عوارض تمدید پروانه ساختمانی برای مالکین حقیقی و حقوقی
تبصره(۵): چنانچه مالک حقیقی حین تمدید پروانه قصد اصلاحیه پروانه و اضافه نمودن زیربنای ملک خود را داشته باشد به میزان اصلاحیه کسری پارکینگ تعلق می‌گیرد.			
تبصره(۶): عوارض متعلقه پروانه در زمان تمدید پروانه ساختمانی شامل عوارض زیربنای پذیره تجاری، صنعتی، اداری، آموزشی و ... نظارت، بالکنهای مشرف به معابر که جدیداً اضافه شده باشد و خارج از ضوابط شهرسازی بر اساس عرصه و اعیان پروانه می‌باشد.			
تبصره(۷): برای مالکین حقوقی، ردیفهای تراکم، کسری پارکینگ، عمران و آبائی و ۱۰٪ سهم شهرداری به مولد تبصره ۴ افزوده می‌گردد.			
تبصره(۸): در محاسبه عوارض تمدید صرفاً مبلغ پرداخت شده بابت ردیفهای عوارض متعلقه از محاسبه روز کسر می‌گردد.			
تبصره(۹): چنانچه مالک حقوقی حین تمدید پروانه قصد اصلاحیه پروانه و اضافه نمودن زیربنای ملک خود را داشته باشد کل زیربنای مشمول محاسبه می‌گردد ولی چنانچه بلافاصله پس از تمدید پروانه قصد اصلاحیه داشته باشد فقط میزان اصلاحیه مشمول محاسبه می‌گردد.			

(پیش‌بینی نشده در این قانون) بر واردات و صادرات کالا و نیز استثنای قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران از شمول حکم این ماده، لذا وصول عوارض کالاهای ورودی و خروجی از این مناطق همچنان تابع ضوابط مقرر در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی بوده و استناد شاکلی به مفاد ماده ۲۰ قانون مقررات صادرات و واردات، فاقد وجهت قانونی است.

۵- ایرادات رئیس مجلس شورای اسلامی به برخی مصوبات قبلی (مورد استناد شاکلی) مربوط به تعیین سود بازرگانی واردات کالاهای تجاری از مناطق مذکور به داخل کشور بوده در حالی که مصوبه مورد اعتراض شاکلی مربوط به چگونگی تعیین عوارض کالاهای موصوف است (و نه سود بازرگانی)، بنابراین قیاس یاد شده صحیح نبوده و محل تأمل است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۱۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۲ مقرر شده است: «مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثنی هستند و مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده هر منطقه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. مبادلات بازرگانی مناطق با سایر نقاط کشور اعم از مسافری و تجاری تابع مقررات عمومی صادرات و واردات کشور می‌باشد.» و طبق ماده ۲۰ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر گردیده «دولت مکلف است از ابتدای سال ۱۳۷۳ از واردکنندگان بخشهای غیر دولتی که به صورت تجاری کالا وارد می‌نمایند، برابر یک درصد (۱٪) از مجموع وجوه دریافتی بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کلیه کالاهای وارداتی را علاوه بر حقوق گمرکی و سود بازرگانی مقرر به عنوان عوارض ویژه دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید. همه ساله معادل صد در صد (۱۰۰٪) مبالغی که از این بابت به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌گردد، از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال پیش‌بینی می‌شود، با تصویب هیأت وزیران در اختیار دستگاههای اجرایی ذیربط قرار خواهد گرفت تا بر اساس آیین‌نامه اجرایی این قانون جهت تشویق و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و همچنین راه‌اندازی صندوق تضمین صادرات، آموزش و تبلیغات بازرگانی به مصرف برسند.» نظر به اینکه در قوانین مذکور ترجیح و امتیازی برای تعیین و دریافت حقوق گمرکی و سود بازرگانی از کالاهای وارداتی از مناطق آزاد به داخل کشور مقرر نشده، بنابراین مصوبه مورد شکایت به جهت کاهش دو درصد سود بازرگانی کالاهای وارداتی از مناطق آزاد به سرزمین اصلی مغایر قانون بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون مذکور و تسری ابطال مصوبه به زمان تصویب آن موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۵۰۰۵۵۵

۱۳۹۷/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت‌اداری به‌شماره دادنامه ۱۳۹۷/۷/۲۴ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ با موضوع: «ابطال تبصره‌های ۴، ۵ و ۶ تعرفه عوارض شماره ۲۱ شهرداری یاسوج در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر یاسوج» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۷/۲۴ شماره دادنامه: ۱۶۴۸ شماره پرونده: ۵۵۵/۹۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران وابسته به اوزارت راه و شهرسازی]

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره‌های ۴، ۵ و ۶ تعرفه عوارض شماره ۲۱

شهرداری یاسوج در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر یاسوج

گردش کار: شاکلی به موجب دادخواستی ابطال تعرفه عوارض شماره ۲۱ شهرداری

یاسوج در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر یاسوج را خواستار شده و در جهت

تبیین خواسته اعلام کرده است که:

رأی هیأت عمومی

الف) با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیش از این در آراء متعدد و از جمله رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ مصوبات شوراهای اسلامی در مورد وضع عوارض و حذف و کسری پارکینگ را باطل کرده است، بنابراین با لحاظ استدلال مصرح در رأی مذکور، تبصره ۴ تعرفه مورد اعتراض مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب) تبصره ۵ از مصوبه مورد اعتراض در خصوص بالکن که خارج از ضوابط شهرسازی است با توجه به ابقاء آن و اخذ عوارض بابت تخلف ساختمانی مغایر قوانین مورد استناد شاکی نیست و قابل ابطال تشخیص نشد.

ج) حکم مقرر در تبصره ۶ از تعرفه مورد اعتراض به لحاظ اینکه اخذ عوارض قبل از طرح پرونده در کمیسیون ماده ۱۰۰ وضع شده است تصویب آن از حدود اختیار شورای اسلامی خارج و مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۲۵۶۴

۱۳۹۷/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان‌عدالت‌اداری به‌شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۷۷ مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۵ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۸/۱۵ شماره دادنامه: ۱۷۷۷ شماره پرونده: ۲۵۶۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای یوسف مهربان‌فر

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شاکیان پرونده‌های موضوع تعارض از کارمندان سابق سازمان صنایع و معادن استان لرستان هستند که این سازمان به استناد ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری آنها را بازنشسته کرده است. با این حال شاکیان ادعا دارند که دارای مدرک معادل کارشناسی ارشد هستند و مشاغل آنها نیز تخصصی بوده و بنابراین با توجه به حکم مقرر در صدر ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، سازمان متبوع آنها نمی‌توانسته آنها را قبل از آن که سنوات خدمتشان به ۳۵ سال برسد، بازنشسته کند. از این رو به خواسته «الزام طرف شکایت به لغو حکم بازنشستگی به لحاظ عدم رعایت شرط ۳۵ سال سابقه خدمت مشاغل تخصصی برای دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد» در شعب دیوان عدالت اداری طرح دعوا کرده‌اند. در مقام رسیدگی به این شکایات، شعب ۷ و ۱۱ بدوی دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۸۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۲۵۱۹ با موضوع دادخواست آقای مراد احسانفر درویش به طرفیت سازمان صنایع و معادن استان لرستان و به خواسته لغو حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۰۹۰۱۱۰۰۵۸۴ - ۱۳۸۹/۱۱/۹ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

با توجه به محتویات پرونده و با استناد به آراء وحدت رویه شماره ۶۵ - ۱۳۷۸/۳/۳ و ۱۹۸ - ۱۳۸۶/۴/۳ و ۲۲۷ و ۲۲۶ - ۱۳۸۹/۹/۲۲ و ۲۰۰ - ۱۳۷۶/۴/۱۷ و ۳۳۷ - ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ و ۱۱۹۲ - ۱۳۸۶/۱۰/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری راجع به ارزش مدارک تحصیلی نظیر مدرک تحصیلی شاکی و اعتبار قانونی آن از حیث پذیرش در مراجع ذیصلاح قانونی و مستفاد از تبصره‌های ماده ۴۸ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و تبصره ماده ۸۷ قانون برنامه دوم توسعه و ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه و مواد ۵۴ و ۱۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه در خصوص مدرک تحصیل شاکی از جهت استخدامی و همترازی و عدم نفی آن از سوی قانونگذار و با توجه به مفاد بخشنامه شماره ۱۸۰۳/۱۵۳۸۲ - ۱۳۸۳/۸/۲۳ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبنی بر لزوم تأیید مدارک تحصیلی کارکنان دولت توسط وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و عطف عنایت به مفاد ماده ۱ دستورالعمل اجرائی ماده ۸ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ موضوع ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۲ به شماره ۶۷۲۳ - ۱۳۷۲/۱۱/۲۳ سازمان امور اداری و استخدامی کشور که مدرک تحصیلی شاکی را به عنوان معادل مدارک

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر یاسوج به موجب لایحه شماره ۱۰۹۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ توضیح داده است که:

«محضر شریف و مبارک ریاست و اعضای محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سلام علیکم

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۵۵۵/۹۵ موضوع دعوی شرکت فرودگاهها و نوابری هوایی ایران به طرفیت شورای اسلامی شهر یاسوج به استحضار عالی می‌رساند با عنایت به دلایل و مدارک ذیل‌الذکر تقاضای رد دعوا مورد استدعا می‌باشد:

طبق اصل ۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به انکاء آراء عمومی اداره شود که از راه انتخابات اعضای شوراها معین می‌گردد و برابر اصل ۷ از همین قانون طبق دستور قرآن کریم «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور هستند و موارد و طرز تشکیل و حدود اختیارات شوراها و وظایف آنها در قانون اساسی و قوانین ناشی از آن معین می‌کند و همچنین برابر اصل ۱۰۰ قانون اساسی و ماده اصلاحی ۱۳۸۲/۵/۵ و ۱۳۸۶/۸/۲۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها اسلامی کشور و انتخاب شهرداران برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و آموزشی و سایر امور رفاهی با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر شهر با نظارت شورایی به نام شورای شهر صورت می‌گیرد و برابر بند ۸ ماده ۴۵ قانون شهرداریها مصوب ۱۳۳۴ در وظایف انجمن شهر به صراحت ذکر گردیده تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از وظایف اصلی شورای اسلامی شهر می‌باشد و برابر ماده ۳۵ وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر مادامی که درآمدهای پیش‌بینی شده کافی نباشد شورای شهر می‌تواند با تصویب وزارت کشور عوارضی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید و همچنین ماده ۷۷ اصلاحیه ۱۳۸۶/۸/۲۷ نیز به صراحت بیان می‌نماید شورای اسلامی شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای مالی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر اقدام نماید و مضافاً برابر تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ شوراها اسلامی شهر جهت وضع هر یک از عوارض محل جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد تصویب و اعلام عمومی نمایند. همچنین قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۱ در تبصره ۱ ماده ۵۰ آن مجوز وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هر یک از عوارض محلی را نیز صادر نموده است و بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹ نیز به صراحت بیان می‌دارد در صورتی که درآمدهای وصولی ناشی از عوارض تکافوی هزینه‌های شهرداریها را ننماید وضع عوارض جدید و افزایش عوارض مجوز آن صادر شده است. لذا با عنایت به معروضات پیش گفته و مستندات قانونی ذکر شده شورای اسلامی شهر یاسوج در راستای اجرای وظایف خود اقدام به برقراری عوارض نموده است و با عنایت به قوانین مذکور اختیار هر نوع عوارضی را داشته است و مصوبات شورای اسلامی شهر با تأیید وزارت کشور و یا نماینده وی (کمیسیون تطبیق فرمانداری) رسیده است و برابر تبصره ذیل ماده ۱۸۱ قانون برنامه پنجم توسعه کشور هرگونه تخفیف، بخشودگی حقوق و عوارض شهرداریها توسط دولت و قوانین مصوب منوط به تأمین آن از بودجه عمومی سالانه کشور است در غیر این صورت بخشودگی و تخفیف حقوق و عوارض شهرداری ممنوع است. در نهایت از آنجا که وضع این گونه عوارض دارای منشأ قانونی بوده و اختیارات لازم جهت تصویب این گونه عوارض را داشته و طرح این دعوا از سوی خواهان جهت فرار از پرداخت عوارض قانونی و مصوب می‌باشد. تقاضای رد دعوی ایشان از محضر جنابان عالی مورد استدعاست.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکی، تبصره‌های ۳، ۷ و ۸ تعرفه شماره ۲۱ عوارض شهرداری یاسوج مصوب شورای اسلامی شهر یاسوج در سال ۱۳۹۴ در خصوص وضع عوارض برای صدور پروانه اصلاحی، اخذ مابه‌التفاوت پروانه اولیه و ثانویه را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۲۲ - ۱۳۹۷/۵/۳۰ رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده است، رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

پرونده در راستای رسیدگی به بندهای ۴، ۵ و ۶ از تعرفه عوارض شماره ۲۱ شهرداری یاسوج در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر یاسوج در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

۹۵/۵۶۹۴ ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ شورای اسلامی شهر شیراز» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۱/۲ شماره دادنامه: ۱۹۸۲ شماره پرونده: ۶۶۳/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکای: آقای محمدحسن سبحانیان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱- ج اصلاحی و تبصره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵

مصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ در خصوص عوارض تابلو و تبصره ۳ ماده ۲۱

مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ مصوب شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص

عوارض تابلوهای تبلیغات محیطی و تابلوهای معرف کاربری

گردش کار: آقای محمدحسن سبحانیان به موجب دادخواستی ابطال مصوبات

شماره ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷ [۱۳۸۹/۶/۲۷] ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷، ۹۴/۵۶۷۶/ص -

۱۳۹۴/۱۱/۸ و ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ مصوب شورای اسلامی شهر شیراز از زمان

تصویب در خصوص آیین‌نامه اجرایی ساماندهی تبلیغات شهری در اجرای مقررات ماده ۹۲

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ را خواستار شده و

در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با عرض سلام، ادب و احترام: در اجرای اصل ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی همان گونه که

مستحضرد هیأت عمومی آن دیوان مصوبات شوراها را از شهرهای ایران را در

خصوص تابلوهای معرف کاربری ابطال کرده است و از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم

رسانده است و جای بسی تعجب دارد که علی‌رغم اینکه شهرداری و شورای اسلامی شهر

شیراز از آراء صادره توسط دیوان مطلع می‌باشند لیکن باز در سال گذشته شهرداری شیراز

لایحه جدیدی را در این خصوص به شورای اسلامی شهر شیراز ارسال نمود و شورای اسلامی

شهر شیراز نیز طی مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ آن لایحه را به تصویب

رسانده در ادامه مصوبات و قسمتهای مورد تقاضا جهت ابطال توضیح داده خواهد شد. اولین

مصوبه مورد درخواست ابطال را شهرداری شیراز طی نامه (لایحه) شماره ۹۱۵۳/۲۰ -

۱۳۸۹/۴/۹ مشوب به شماره ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۴/۱۲ [۱۳۸۹/۴/۲۷] ش الف س -

تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی ساماندهی تبلیغات شهری را تقدیم شورای اسلامی شهر شیراز

نموده است که در یکصد و شصت و نهمین جلسه علنی شورا با اصلاحاتی تصویب گردیده و

این مصوبه طی سنوات بعد با اعمال تغییراتی و در قالب مصوبات جدیدی توسط شورای

اسلامی شهر شیراز تصویب گردیده است که شماره و تاریخ کلیه مصوبات مذکور در بخش

موضوع شکایت و خواسته ذکر گردید و از تلفیق مجموعه این مصوبات «آیین‌نامه اجرایی

ساماندهی تبلیغات شهری» در فصل یازدهم کتاب مجموعه ضوابط و مقررات شهری (عوارض

و بهای خدمات) گردآوری و تهیه شده است. بر اساس بخشهایی از مفاد آیین‌نامه اجرایی

ساماندهی تبلیغات شهری مذکور «نصب هرگونه تابلو بر سردرب اماکن تجاری، خدماتی و ...

که معرف محل و کاربری می‌باشند و متضمن تبلیغات نیست با طول به اندازه عرض واحد و

ارتفاع حداکثر ۱۵۰ سانتیمتر با رعایت اصول و مقررات شهرسازی و معماری بلامانع است و

نسبت به ابعاد اضافی تابلو، مالک یا ذینفع مشمول پرداخت عوارض (ظرف ۱۰ روز از تاریخ

اخطار کتبی یا از سنوات گذشته) خواهد شد و در عین حال شهرداری مکلف به جمع‌آوری

تابلوهای منصوبه خارج از ضوابط آیین‌نامه (تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی) می‌باشد. بخشهای مورد

اعتراض در مصوبات فوق‌الذکر و آیین‌نامه مذکور عبارتند از: مصوبه ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷

[۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۹۸/۶/۲۷] می‌باشد. بخشهای مورد اعتراض به شرح ذیل می‌باشد:

ج) تابلوهای تجاری، خدماتی، تولیدی:

۱- ج - تعداد یک عدد تابلو نصب بر سردرب ورودی اصلی (روی پیشانی) که ابعاد

آن متناسب با دهانه ورودی ساختمان و حداکثر عرض ۱۵۰ سانتیمتر برای معرفی واحد

خود می‌باشد بلامانع است.

سایر ضوابط:

۲- نصب هرگونه تابلو خارج از ضوابط این آیین‌نامه ممنوع و شهرداری مکلف است

برابر مقررات نسبت به جمع‌آوری آن اقدام نماید.

۳- از تاریخ تصویب این آیین‌نامه و انتشار آن توسط شهرداری کلیه تابلوهای جدید

می‌باید بر اساس مقررات این آیین‌نامه تهیه و نصب گردد و تابلوهای منصوبه قبل از

تصویب این آیین‌نامه حداکثر ظرف مهلت یک سال توسط مالک یا ذینفع جمع‌آوری و یا

اصلاح گردد. در غیر این صورت شهرداری رأساً نسبت به جمع‌آوری آنها اقدام و هزینه

خسارت را دریافت خواهد نمود.

در خصوص مصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ بخشهای مورد اعتراض به شرح

ذیل می‌باشد:

تحصیلی دانشگاهی به شمار آورده است و از آنجائی که شغل مورد تصدی شاکای براساس

تبصره ۲ از ماده ۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ مجلس

شورای اسلامی و همچنین آیین‌نامه اجرائی آن ماده ۱۳ مصوب هیأت وزیران مورخ

۱۳۷۰/۱۰/۲۲ که تصریح می‌دارد مشاغل تخصصی و تحقیقی موضوع تبصره ۲ ماده ۴

قانون فوق‌الذکر در خصوص پرداخت فوق‌العاده شغل آن دسته از مستخدمینی که تصدی

مشاغل تخصصی تحقیقی و آموزش را به عهده دارند علاوه بر موارد فوق تا ۲۵٪ حقوق

مبنا آنان قابل افزایش است شامل مشاغل است که تصدی آن مستلزم داشتن

مدرک تحصیلی کارشناس لیسانس یا بالاتر بوده و در شرح وظایف مربوط انجام وظایف

تخصصی و تحقیقی پیش‌بینی شده باشد و این موضوع با توجه به حکم حقوقی شاکای از

جمله مشاغل تخصصی می‌باشد و لذا بنا به مراتب فوق با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۰۳

قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ۲ ذیل آن در خصوص مشاغل تخصصی بدون

برقراری شروط سن و سابقه و بدون تقاضای کتبی کارمند امکان صدور حکم بازنشستگی

قبل از ۳۵ سال تمام سابقه و ۶۵ سال تمام سن نبوده و در خصوص شاکای رعایت نشده و

بدون حصول شرایط قانونی مبادرت به صدور حکم بازنشستگی راجع به شاکای شده است

و لذا از این حیث خواسته شاکای مقرون به صحت تشخیص و حکم به لغو بازنشستگی

شاکای صادر و اعلام می‌گردد. بدیهی است اعاده به کار شاکای مستلزم اعاده وضع به حالت

سابق و مسترد نمودن کلیه حقوق و مزایایی است که بابت بازنشستگی شاکای دریافت

نموده است. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۳۶/۸۸/۷ با

موضوع دادخواست آقای یوسف مهربان‌فر به طرفیت سازمان صنایع و معادن و سازمان

بازنشستگی و به خواسته لغو حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۴۳ -

۱۳۸۹/۱/۲۱ به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است:

مطابق ماده ۱۰۳ قانون خدمات کشوری مشاغل تخصصی با مدرک تحصیلی

فوق لیسانس و دکترا استحقاق خدمت با ۳۵ سال را دارند و بین ۳۰ سال تا ۳۵

سال در صورت تقاضای بازنشستگی اداره متبوع می‌تواند با بازنشستگی موافقت

نماید شاکای مدعی است دارای مدرک فوق لیسانس و در مشاغل تخصصی است

نتیجتاً حق دارد تا ۳۵ سال به خدمت خود ادامه دهد اداره طرف شکایت مدرک

تخصصی وی را فوق لیسانس دریافتی از دانشگاهی ندانسته و شاکای را مشمول بند

الف ماده ۱۰۳ از حیث مدرک تحصیلی نمی‌داند، علیهذا با توجه به اینکه در بند

الف مذکور صراحت بر تحصیل دانشگاهی کارشناسی ارشد دارد مدرک تحصیلی

شاکای از جمله مدارک دانشگاهی تلقی نشده حکم به رد شکایت وی صادر و اعلام

می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱۵ با حضور رئیس و معاونین

دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از

بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: حکم مقرر در ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در خصوص نحوه

بازنشستگی کارمندان با تحصیلات دانشگاهی کارشناسی ارشد و بالاتر به دارندگان مدارک

تحصیلی معادل کارشناسی ارشد و بالاتر قابل تعمیم نیست و رأی شعبه ۷ دیوان عدالت

اداری به شماره دادنامه ۴۲- ۱۳۸۹/۷/۲۱ که حکم بند الف ماده ۱۰۳ قانون یاد شده را برای

لغو حکم بازنشستگی به کارمندی که مدرک معادل کارشناسی ارشد دارد، تعمیم نداده و به

رد شکایت صادر شده صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده

۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب

دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۰۶۶۳

۱۳۹۷/۱۱/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۸۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ با موضوع: «ابطال بند ۱- ج و تبصره ۲

الحاقی مصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و تبصره ۳ ماده ۲۱ مصوبه شماره

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۲۱۱۹ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۹ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که: «احتراماً عطف به اخطاریه رفع نقص پرونده شماره ۵۵۰۰۵۸۰۰۹۹۸۰۹۶۰ کلاسه ۶۶۳/۹۶ - ۱۳۹۶/۹/۲۶ موارد ذیل را به استحضار حضرتعالی می‌رساند:

بر اساس مواد ۸۹ و ۹۰ قانون دیوان عدالت اداری آراء صادره از هیأت عمومی برای سایر شعب و دیگر مراجع اداری، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم‌الاتباع می‌باشد مضافاً اینکه ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری نیز در همین راستا به طور صریح و منجز مقرر می‌دارد که «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است» بر این اساس از آنجا که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متفاوت (۴۰۶ الی ۴۰۷ - ۱۳۸۷/۶/۳، ۲۴۱ - ۱۳۹۰/۶/۷، ۲۴۱/۱ - ۱۳۹۰/۸/۲، ۷۷۱ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸، ۱۲۳۰ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۹، ۶۸۲ - ۱۳۹۵/۹/۱۶ و ...) مصوبات شورای اسلامی شهرهای مختلف را در خصوص عوارض بر تابلوهای معرف محل و کاربری را که متضمن تبلیغات نیست را به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال نموده است. لذا اخذ عوارض از تابلوهای غیر تبلیغاتی معرف محل و کاربری توسط شهرداری شیراز و بر اساس مصوبات شورای اسلامی شهر شیراز مغایر با آراء متعدد وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشد.

بخشهای مورد اعتراض از مصوبات شورای اسلامی شهر شیراز همان گونه که در دادخواست اینجانب به تفصیل ذکر گردید عبارت است از ۱- ضوابط مندرج در بندهای الف - ب - ج مصوبه ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷ [ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷] در خصوص وضع عوارض بر تابلوهای معرف محل و کاربری (تابلوهای غیر تبلیغاتی) ۲- بند ۱- ج اصلاحی، تبصره ۱ الحاقی، تبصره ۲ الحاقی، تبصره ۳ الحاقی، تبصره ۴ الحاقی و تبصره ۵ الحاقی، مصوبه ۹۴/۵۶۷۶/۹/ص - ۳ - تبصره ۳ ماده ۲۱ مصوبه ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ همچنین اشعار می‌دارد که مصوبات فوق‌الذکر شورای اسلامی شهر شیراز علاوه بر مغایرت با آراء متعدد وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دلایل ذیل نیز مغایر با قانون و حدود اختیارات شورا می‌باشد:

اولاً: هر چند مطابق بند ۲۶ ماده ۷۱ در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شهرداریها از جمله وظایف شورای اسلامی شهر است لیکن به جهت اینکه تابلوهای منصوبه بر سردر اماکن تجاری و اداری علی‌القاعده مبین معرفی محل استقرار و فعالیت اماکن مذکور است و الزاماً متضمن تبلیغاتی در زمینه ارائه خدمات مربوط نیست و اصولاً شهرداری در خصوص مورد ارائه‌کننده خدمتی نیست تا به دریافت بهای آن محق باشد، بنابراین مصوبات فوق‌الذکر شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص اخذ عوارض از تابلوهای معرف محل و کاربری مغایر هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات آنها می‌باشد.

ثانیاً: با تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی و ... به موجب قانون موسوم به تجمیع عوارض صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات ناظر به برقراری، اختیار و یا اجازه برقراری و دریافت وجوه به استثناء مواد مندرج در قسمت اخیر ماده مزبور، از ابتدای سال ۱۳۸۲ لغو شده است. نظر به عموم و اطلاق قانون یاد شده و حکومت آن بر قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵ و نسخ قسمتهایی از قانون اخیرالذکر، در نتیجه اختیارات شوراهای اسلامی صرفاً به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم محدود می‌شود و وضع هر نوع عوارض توسط شوراهای اسلامی سراسر کشور خارج از محدوده تبصره ۱ ماده ۵ مذکور به استناد رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۶۱ - ۱۳۸۲/۹/۹ خلاف قانون و خلاف اختیارات شورا است که این موضوع شامل مصوبات فوق‌الاشاره شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز نیز می‌گردد.

ثالثاً: قانون اساسی دریافت هرگونه وجه از اشخاص را منوط به تدوین قانون و مقررات خاص در این زمینه می‌داند نظر به اینکه وضع قاعده آمره مشعر بر الزام اشخاص به پرداخت هرگونه وجه، اختصاص به قوه مقننه و یا ماذون از قبل قانونگذار دارد لذا محرز می‌شود که مصوبات فوق‌الذکر شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز در یک اقدام تقنینی که در صلاحیت خاص مجلس نمایندگان منتخب مردم است به وضع قانون و گام نهادن در فراتر از حدود اختیار مقام واضع مبادرت کرده است.

رابعاً: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه‌های ۱۲۳۳ الی ۱۲۳۶ - ۱۳۹۵/۱۰/۱۹ اقدام به ابطال قسمت دوم مصوبه شماره ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷ [ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷] شورای اسلامی شهر شیراز و همچنین ابطال بند ۱- ۲ ردیف ۲ مصوبه یادشده و همچنین مصوبه شماره ۳۵۵۶۲ - ۱۳۹۲/۸/۱۴ شورای اسلامی شهر شیراز مبنی

۱- بند ۱- ج - اصلاحی که اعلام می‌دارد: نصب تابلو بر سردر مغازه (روی پیشانی) و کلیه اماکن تجاری و خدماتی که طول آن به اندازه عرض واحد و ارتفاع آن حداکثر ۱۵۰ سانتیمتر که صرفاً برای معرفی واحد خود باشد، با رعایت اصول و مقررات شهرسازی و معماری بلامانع است.

۲- تبصره ۲ الحاقی: که اعلام می‌دارد: کلیه تابلوهای غیر تبلیغاتی «ردیفهای (الف)، (ب) و (ج)» که اندازه آنها بیش از اندازه اعلام شده در ردیفهای مذکور باشد باید توسط مالک یا ذینفع اصلاح گردد. در صورتی که مالک یا ذینفع درخواست ابعاد اضافه داشته باشد، به میزان ابعاد اضافی مشمول پرداخت عوارض به شرح زیر می‌گردد به شرطی که عوارض ماهیانه مذکور برای هر مترمربع تابلو از مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال تجاوز ننماید.

$29 \times p \times \text{عرض اضافی تابلو} \times \text{طول اضافی تابلو} = \text{عوارض ماهیانه تابلو}$

۳- تبصره ۴ الحاقی که اعلام می‌دارد: چنانچه تابلوهای نصب شده بر سردر مغازه یا سایر اماکن موضوع این مصوبه (تبلیغاتی یا غیر تبلیغاتی) به هر نحو مشمول پرداخت عوارض گردد شهرداری مکلف است موضوع اخذ عوارض را با تعیین میزان عوارض تعلق گرفته به موجب اخطاریه کتبی به آدرس اماکن محل نصب تابلو یا اقامتگاه قانونی ذینفع یا مالک ابلاغ نماید چنانچه ذینفع ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به حذف تابلو اقدام نماید مشمول پرداخت عوارض نمی‌گردد و در صورت استمرار تابلوی منصوبه پس از انقضای مهلت مذکور، از تاریخ یاد شده مشمول پرداخت عوارض می‌گردد.

۴- تبصره ۵ الحاقی که اعلام می‌دارد: مندرجات بند ۱- ج اصلاحی و تبصره‌های الحاقی ذیل بند ۹ - ج مشمول کلیه مصادیق تابلوهای غیر تبلیغاتی مندرج در بند ۱ مصوبه شماره ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷ [ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷] می‌گردد.

۵- بند ۲- ۷ که اعلام می‌دارد: عوارض تعلق گرفته به تابلوهای تبلیغاتی و غیر تبلیغاتی مربوط به سنوات گذشته وفق مصوبه مربوط به آن محاسبه و وصول می‌گردد.

۶- سایر ضوابط بند ۴-۱ که اعلام می‌دارد: نصب هرگونه تابلو خارج از ضوابط این آیین‌نامه ممنوع می‌باشد و شهرداری مکلف است طبق مقررات نسبت به جمع‌آوری آن اقدام نماید.

قبل از ذکر موارد مورد اعتراض از مصوبه ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ لازم به ذکر است تصویب این مصوبه بعد از آراء متعدد هیأت دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبات نصب تابلو معرف کاربری محل مربوط به شهرهای مختلف و انتشار آن از طریق روزنامه رسمی صورت پذیرفته که نشان دهنده علم و اطلاع شورای اسلامی و شهرداری شهر شیراز از آراء صادره می‌باشد. اما بخشهای مورد اعتراض در مصوبه مذکور (مصوبه ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲) به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تبصره ۳ ماده ۲۱ مصوبه ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ که در خصوص نحوه محاسبه عوارض تابلوهای تبلیغات محیطی و تابلوهای معرف کاربری در محدوده و حریم قانون شهر شیراز می‌باشد و در آن به مصوبات سنوات قبل شورای اسلامی شهر شیراز (مصوبه ۱۷۶۳۳ - ۱۳۸۹/۶/۲۷ و مصوبه ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸) اشاره کرده است.

۲- بند ۶ ماده ۶۱ از فصل پنجم مصوبه ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ در خصوص ضوابط تابلوهای معرف کاربری که اعلام می‌دارد:

۶ - حداکثر عرض تابلو: حداکثر عرض تابلو تابع پارامترهای مختلفی همچون همسایگی تابلو، ارتفاع تا زیر سقف مغازه یا ارتفاع تا زیر کنسول و بالکن طبقه اول است که باید در محل کارشناسی شده و حداکثر عرض تابلو تعیین گردد اما به طور کلی به جز در برخی نقاط خاص که توسط اداره ضوابط فنی آن اعلام می‌شود در سایر موارد عرض تابلو نباید بیش از ۱۵۰ سانتیمتر باشد. از آنجا که در تصویب مصوبات فوق‌الذکر مفاد آراء مختلف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آرای ذیل رعایت نشده و شهرداری با جمع‌آوری و یا اجبار به پرداخت عوارض در خصوص تابلوهای غیر تبلیغاتی منصوبه بر درب اماکن تجاری، خدماتی و ... که معرف محل و کاربری می‌باشند خلاف قانون و حدود اختیارات خود عمل می‌نماید و سبب ورود خسارت و ضرر و زیان به مالک یا ذینفع می‌گردد. مستدعی است به لحاظ صدور آراء ذیل توسط هیأت عمومی دیوان در موارد مشابه و در ابطال مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای مختلف و حسب اجرای مقررات ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری دستور رسیدگی خارج از نوبت صادر فرمایید. پیشاپیش بذل عنایت و مساعدت سروران معزز مزید امتنان می‌باشد.

شماره و تاریخ آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:

۱- آراء شماره ۴۰۷ - ۴۰۶ - ۱۳۸۷/۶/۳ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر تهران

۲- رأی شماره ۲۴۱ - ۱۳۹۰/۶/۷ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان

۳- رأی اصلاحی ۲۴۱/۱ - ۱۳۹۰/۸/۲ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان

۴- رأی شماره ۷۷۱ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد

۵- رأی شماره ۱۲۳۰ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر کرج

۶- رأی شماره ۶۸۲ - ۱۳۹۵/۹/۱۶ مربوط به رد مصوبه شورای اسلامی شهر کرج

ب - برابر بند ۲۵ ماده ۸۰ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت الصاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوع و انتشار آن برای اطلاع عموم از وظایف شوراهای اسلامی شهرها می‌باشد و برابر بند ۲۷ ماده ۵۵ قانون شهرداریها نیز مقررات خاصی را جهت نصب تابلو در نظر گرفته است.

ج - با توجه به مباحث شهرسازی از جمله «سیما و منظر شهری»، «مبلمان شهری» رعایت «مشرفیت»، «سایه اندازها»، آلودگی بصری و هماهنگی در تبلیغات شهری نصب و یا تغییر تابلو با هر اندازه و هر شرایطی باعث تغییر و بی‌نظمی و بهم ریختگی موارد فوق گردیده و در مواردی باعث ایجاد مزاحمت برای سایر شهروندان و مالکین مجاور می‌گردد و نیاز است تا از شهرداری اجازه نصب تابلو اخذ گردد. در غیر این صورت شهرداری به استناد مطالب فوق می‌تواند اقدامات لازم قانونی را صورت دهد همچنین شهر شیراز به عنوان یک شهر فرهنگی و توریستی که سالیانه میزبان گردشگران خارجی و ایرانی بسیاری می‌باشد سعی نموده با ساماندهی تابلوهای سطح شهر از آشفتگی و ناهنجاریهای دیداری و آلودگی‌های بصری جلوگیری و در تابلوهای منصوبه نظم خاصی را ایجاد نماید. لذا همان طور که از مطالب فوق مستفاد می‌گردد نمی‌توان اختیار شوراها در وضع مقررات خاص و الصاق تابلو را نادیده گرفت و بر این مبنا شورای اسلامی شهر اقدام به تصویب لوایح شهرداری می‌نمایند و در شهر شیراز نیز بر این مبنا مصوبات به تصویب رسیده است.

د - کلیه بندها و تبصره مورد درخواست شاکی بر مبنای قوانین و مقررات فوق‌الذکر به خصوص مبحث بیستم مقررات ملی ساختمان و ضوابط طرح تفصیلی و به استناد بندهای ۲۵ و ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی شهر وضع گردیده تا نصب تابلو در معابر آسیمی به منظر شهری نرساند و برای مجاورین مزاحمتی ایجاد نگردد و در عین حال موارد قانونی و صلاحیت رعایت گردد و منافع کل شهروندان شهر در نظر گرفته شود و نه یک قشر خاص و صنف خاص زیرا بهم ریختگی منظر شهری و ایجاد مشرفیت با افزایش عرض و طول تابلو و مزاحمت برای مجاورین را به همراه دارد و بر مبنای قاعده لاضرر و لاضرار نیز منافع عمومی شهروندان بر منفعت یک قشر یا صنف خاص ارجحیت و برتری دارد.

ه - موضوع تعیین عوارض برای مساحت‌های بیش از اندازه تابلوهای منصوبه در سطح شهر به چند دلیل می‌باشد:

اول اینکه برابر بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از وظایف شوراهای اسلامی شهرها می‌باشد.

دوم اینکه اختیارات وضع عوارض در آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی به تفصیل ذکر گردیده و صلاحیت شوراها تعیین گردیده است.

سوم اینکه برابر تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع هر یک از عوارض محلی بر عهده شوراهای اسلامی شهرها می‌باشد.

چهارم اینکه مصوبات شورای اسلامی صرفاً جهت الصاق و نصب تابلوهای مزاد بر اندازه استاندارد مقررات ملی ساختمان، ضوابط طرح تفصیلی و ضوابط شوراهای اسلامی شهر شیراز می‌باشد و جهت نصب تابلو بر سردرب واحدهای تجاری و غیر تجاری عوارضی اخذ نمی‌نماید و تمامی اشخاص و صاحبان مشاغل به جهت معرفی شغل و یا حرفه و یا خدمتی که به مردم ارائه می‌دهند حق نصب و الصاق یک عدد تابلو در پیشانی ملک خود را با شرایط و ضوابط ذکر شده در مصوبه بدون پرداخت هیچ‌گونه عوارضی دارا می‌باشند.

پنجم در صورت عدم اخذ عوارض مزبور توسط شهرداریها به استناد ضوابط و مقررات ذکر شده در مصوبات شورای اسلامی شهر شیراز، شهرداری می‌باید نسبت به جمع‌آوری آنها اقدام نمایند که این موضوع باعث هدر رفت هزینه‌های انجام شده توسط ذینفعان می‌گردد و لذا عدم اخذ عوارض دلیلی بر تثبیت وضعیت تابلو نمی‌باشد و با ابطال بندهای مورد درخواست شاکی، شهرداری ملزم و مکلف به جمع‌آوری تابلوهای خارج از ضوابط و شرایط می‌باشد.

شاکی در صفحه ۴ تقاضای ابطال بند ۶ ماده ۶۱ از فصل پنجم مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ را درخواست نموده که این بند در تصویب شرایط و ضوابط نصب تابلو می‌باشد و وضع مقررات خاص در نصب تابلو به استناد موارد فوق‌الذکر به جهت رعایت موازین قانونی و ضوابط شهرسازی وضع گردیده و ابطال آن باعث صدمه به سیما و منظر شهری، مبلمان شهری و مزاحمت برای مجاورین از بابت حق مشرفیت و سایه اندازها و ایجاد آلودگی بصری می‌گردد. شاکی در صفحه ۵ و در انتهای درخواست به دادنامه‌های مختلف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استناد نموده است که به جهت ذیل دادنامه‌های مزبور ارتباط موضوعی با مصوبات شورای اسلامی شهر شیراز ندارد:

بر تعیین عوارض بر تابلوهای معرف محل و کاربری نموده است. به عبارت دیگر بخشهایی از مصوبات مورد اعتراض فوق‌الذکر اخیراً توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.

با امان نظر به موارد فوق‌الاشاره اینجانب ضمن تشکر و عذرخواهی از اطلاع کلام از اعضای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استدعا دارد در اجرای مقررات ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ آراء مقتضی در ابطال مصوبات فوق‌الذکر شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز از زمان تصویب صادر فرمایند.

متن مصوبات مورد اعتراض به قرار زیر است:

مصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸:

«مصوبه کد: ۴/۱۳۹۴/۵۶۷۶/۴۴۳۱/۸ع»

نامه شماره ۹۴/۵۱۳۳۰۰ - ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شهرداری شیراز مشبوت به شماره ۹۴/۷۳۲۴/و - ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ دبیرخانه شورا مبنی بر اصلاح مصوبات شماره ۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷ و ۳۵۵۶۲ - ۱۳۹۲/۸/۱۹ در خصوص عوارض تابلوهای تبلیغاتی سطح شهر، ارسالی از کمیسیون برنامه و بودجه، امور حقوقی و املاک شورا، در یکصد و سی و هشتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر شیراز مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۵ با حضور ۱۷ نفر از اعضای شورا مطرح و مستند به ماده ۹۲ قانون شهرداری و وظایف مندرج در بند ۱۶ ماده ۷۱ اصلاحی قانون شوراها و با ۱۲ رأی موافق و طی ماده واحده:

مصوبه شماره ۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷ به شرح ذیل اصلاح گردید:

بند ۱- ج اصلاحی: نصب تابلو بر سردرب مغازه (روی پیشانی) و کلیه اماکن تجاری و خدماتی که طول آن به اندازه عرض واحد و ارتفاع آن حداکثر ۱۵۰ سانتیمتر که صرفاً برای معرفی واحد خود باشد، با رعایت اصول و مقررات شهرسازی و معماری بلامانع است. تبصره ۱ الحاقی: در تابلوهای تجاری، خدماتی و تولیدی چنانچه تابلوی سردرب واحد فعالیت‌کننده علاوه بر اسم واحد، معرف نمایندگی‌های تولید کالا و عرضه‌کننده خدمات داخل استان نیز باشد، مشمول پرداخت عوارض نمی‌گردد.

تبصره ۲ الحاقی: کلیه تابلوهای غیر تبلیغاتی «ردیفهای (الف)، (ب) و (ج)» که اندازه آنها بیش از اندازه اعلام شده در ردیفهای مذکور باشد، باید توسط مالک یا ذینفع اصلاح گردد. در صورتی که مالک یا ذینفع درخواست ابعاد اضافه داشته باشد، به میزان ابعاد اضافی، مشمول پرداخت عوارض به شرح زیر می‌گردند به شرطی که عوارض ماهیانه مذکور برای هر مترمربع تابلو از مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال تجاوز ننماید:

$$p \times 0.29 \times \text{عرض اضافی تابلو} \times \text{طول اضافی تابلو} = \text{عوارض ماهیانه تابلو}$$

مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲:

«تبصره ۳ - نحوه محاسبه هزینه و عوارض تابلوهای تبلیغاتی محیطی و تابلوهای معرف کاربری در محدوده حریم قانونی شهر شیراز بر اساس مصوبات شماره ۹۴/۳۸۲۴/ص - ۱۳۹۴/۷/۲۸، ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸، ۳۵۵۶۲، ۱۳۹۲/۸/۱۹ و ۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷ شورای اسلامی شهر شیراز که به‌تایید فرمانداری و استانداری رسیده است، می‌باشد.» در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر شیراز به موجب لایحه شماره ۹۵/۵۰۸۳/ص - ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

با احترام، بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۵۵۰ و کلاسه پرونده ۶۶۳/۹۶ در خصوص درخواست آقای محمدحسن سبحانیان مبنی بر ابطال بندهایی از مصوبات شماره‌های ۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۸۹/۴/۱۲، ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ شورای اسلامی شهر شیراز بدینوسیله دفاعیات این شورا در پاسخ به درخواست تقدیم می‌گردد:

۱- شاکی در صفحه دوم درخواست تقاضای ابطال بند ج - ۱ و بند ۲ و ۳ از قسمت سایر ضوابط مصوبه شماره ۱۷۶۳۳/ش الف س - ۱۳۸۹/۶/۲۷ را نموده است که با توجه به ذکر ملغی شدن بندهای موجود در بند ۴ - ۲ مصوبه ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ درخواست ابطال آن فاقد وجهت قانونی است.

۲- شاکی در صفحه ۳ و صفحه ۴ درخواست تقاضای ابطال بندها و تبصره‌هایی از مصوبه ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و مصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ را نموده است که در رد تقاضای شاکی و در تبیین اقدامات و مصوبه‌های شورا موارد ذیل معروض می‌گردد: در ابتدا نظر قضات دیوان عدالت اداری را به صلاحیت

شوراها در ورود به وضع مقررات خاص برای نصب تابلو جلب می‌نماییم:

الف - در مبحث بیست مقررات ملی ساختمان (ذکر شده در جلد بیستم کتابچه مقررات ملی ساختمان) و بند ۲-۷-۴ و ۲-۹-۱۵ و ۲-۹-۱۶ ضوابط طرح تفصیلی شهر شیراز مصوب ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ نصب تابلو در محلهای مختلف دارای ضوابط خاص می‌باشد و شهروندان نمی‌توانند خارج از ضوابط اقدام به نصب و الصاق تابلو نمایند.

دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون پیش گفته و تسری ابطال مصوبات ابطال شده به زمان تصویب آنها موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۳۴۷۸ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان‌عدالت‌اداری به‌شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۸۴ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۱/۲ شماره دادنامه: ۱۹۸۴ کلاس پرونده: ۳۴۷۸/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای طاهر صادقی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۹۲ بدون اخذ مجوز از نهادهای ذی‌ربط، جهت استخدام ۲۰ نفر نیروی قرارداد کار معین آزمون استخدامی برگزار کرده است. شاکیان که همگی از پذیرفته‌شدگان در آزمون هستند پس از طی تمام مراحل، توسط دانشگاه ارومیه به کارگرفته نشده‌اند و علت آن طبق اعلام دانشگاه که در پرونده‌های تعارضی مضبوط است، عدم صدور مجوز استخدامی از سوی سازمان امور اداری و استخدامی کشور عنوان شده است. در پی طرح شکایت این افراد در دیوان عدالت اداری به خواسته الزام دانشگاه و معاونت توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری به استخدام و تعیین تکلیف وضعیت استخدامی، شعب دیوان آراء متعارضی صادر کرده‌اند.
گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه اول بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۱۳۳۴ با موضوع دادخواست آقای طاهر صادقی و به طرفیت دانشگاه ارومیه و به خواسته الزام به تعیین تکلیف استخدامی به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۷۳۱-۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۷۳۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه صرف برگزاری آزمون و قبولی از آن برای فرد ایجاد حق به کارگیری نمی‌نماید و هیچگونه الزام قانونی برای اجابت خواسته شاکی وجود نداشته تقاضای شاکی فاقد مبنای قانونی بوده لذا تخلی از ناحیه مشتکی عنه متصور نبوده و مستنداً به ماده ۱۰ از قانون دیوان حکم به رد شکایت صادر می‌شود رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۸۲۱-۱۳۹۵/۵/۳ شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۲۷۰۰۱۴۸ با موضوع دادخواست آقای اکبر کریم‌خانی و به طرفیت دانشگاه ارومیه - معاونت توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری و به خواسته الزام خواندگان به استخدام شاکی با توجه به قبولی در آزمون به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۰۵۴۶-۱۳۹۵/۳/۱۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات شاکی به شرح دادخواست و مفاد لایحه دفاعیه خواندگان به شرح اوراق پیوست و ضمن بررسی دلایل و مدارک ابرازی از ناحیه طرفین نظر به اینکه برگزاری آزمون در مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ از ناحیه دانشگاه ارومیه پس از اخذ مجوز و انتشار آگهی و رعایت تشریفات قانونی و مطابق مقررات و پس از احراز واجد شرایط بودن شرکت‌کنندگان بوده و حسب اعلام خوانده ردیف اول خواهان تمام مراحل آزمون اعم از ثبت‌نام و شرکت و کسب امتیاز (در مراحل کتبی و مصاحبه و نظریه هسته گزینش) نموده واصل بر این است که برگزاری آزمون پس از اخذ مجوز و تأمین اعتبار انجام گرفته، خواندگان در مقام دفاع، دفاع موجهی به عمل نیاموردند بنا به مراتب فوق شکایت مطروحه وارد تشخیص و مستنداً به ماده ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام خواندگان به اجابت خواسته شاکی به شرح دادخواست صادر می‌نماید رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۲۶۹۸-۱۳۹۵/۶/۲۷ شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

اولاً - موضوع مصوبات ابطالی توسط آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ابطال مصوبات عوارضی از تابلوهای سردرب مغازه‌ها جهت معرفی شغل بوده است حال آن که در مصوبات شورای اسلامی شهر شیراز نصب تابلو معرفی شغل برای کلیه مشاغل در سردرب مغازه‌ها به مترائ معین که در آیین‌نامه ساماندهی تابلوها قید شده است آزاد بوده و هیچ گونه عوارضی بابت این تابلوها اخذ نمی‌گردد.

ثانیاً - همان طور که فوقاً توضیح داده شد اقدام اشخاص در نصب تابلوها در منظر عمومی و شهری به هر شکل و اندازه‌ای و حتی در معابر عمومی فراتر از تابلو معرفی شغل (منصوبه بر سردرب محل کسب) باعث آلودگی بصری، اغتشاش و بی نظمی در زیبایی و توازن سیمای شهر گردیده که شورای اسلامی شهر به استناد بند ۱۶ و ۲۵ ماده ۸۰ قانون تشکیلات و وظایف شورای اسلامی شهر و در جهت ساماندهی وضعیت تابلوهای سطح شهر آیین‌نامه ساماندهی تابلوها را به تصویب رسانده است تا اشخاص بر اساس آن و حد نیاز نسبت به نصب تابلو اقدام نمایند و در صورتی که مازاد بر نیاز و ضرورت اقدام به نصب تابلو نمایند هزینه مربوطه را پرداخت نمایند علاوه بر این شهرداریها به استناد بند ۲۷ ماده ۵۵ موظف اند مقررات خاصی را جهت نصب تابلوها وضع نمایند.

ثالثاً - همچنان که در بند ۱ و ۲ دفاعیه تعیین گردید کلیه آراء صادره از هیأت عمومی دیوان در مقام اخذ عوارض از تابلوهای معرفی که در سردرب مغازه نصب می‌گردد صادر گردیده‌اند و در هیچ یک از این آراء به اشخاص اجازه نقض آیین‌نامه مصوب را نداده و به‌بی‌نظمی نیز تاکید ننموده است. شهر شیراز به عنوان یک شهر فرهنگی و توریستی که سالیانه میزبان گردشگران خارجی و ایرانی است سعی نموده که با ساماندهی تابلوهای سطح شهر از آشفتگی و ناهنجاریهای دیداری و آلودگی بصری جلوگیری و در تابلوهای منصوبه نظم خاصی ایجاد نماید در این راستا بسیار منطقی است از کسانی که به قوانین و مقررات احترام نگذارند و صرفاً در جهت جلب منفعت خود و بدون توجه به قواعد و مقررات اقدام به سوء استفاده از منظر شهری نمایند عوارض وصول گردد تا تفاوت بین کسانی که به قوانین احترام می‌گذارند و کسانی که قوانین را نقض می‌کنند مشخص گردیده و به نحوی عدالت اجتماعی نیز اجرا شود.
رابعاً - از آنجا که تمامی هزینه‌های شهری از محل عواض و بهای خدمات ماخوذه از اشخاص حقیقی و حقوقی شهرها تامین می‌گردد چنان که اشخاص مختلف با ادعاهای واهی بخواهند از پرداخت عوارض مربوطه استنکاف ورزند عملاً شهرداریها از ارائه هرگونه خدمات و اجرای طرحهای عمرانی عاجز خواهند بود. علی‌ای حال با عنایت به مراتب فوق و با توجه به غیر موجه بودن تقاضای شاکی تقاضای رد درخواست نامبرده را دارد.»

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکی، نظر به اینکه در تبصره (۱) الحاقی حکمی برای اخذ عوارض نبوده و تبصره (۳) جزء وظایف شورا می‌باشد و تبصره (۴) و (۵) صرفاً جهت اطلاع‌رسانی بوده، بنابراین تبصره‌های ۱، ۳، ۴ و ۵ الحاقی منصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ مصوب شورای اسلامی شهر شیراز را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۹۲-۱۳۹۷/۷/۱۱ حکم به رد شکایت شاکی صادر کرده است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

رسیدگی به بند ۱- ج اصلاحی و تبصره ۲ الحاقی: منصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ عوارض تابلو و تبصره ۳ ماده ۲۱ منصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ مصوب شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص عوارض تابلوهای تبلیغات محیطی و تابلوهای معرف کاربری در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه به موجب آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات ناظر بر وضع عوارض در خصوص تابلوهای معرف و غیره شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۱- ج و تبصره ۲ الحاقی منصوبه شماره ۹۴/۵۶۷۶/ص - ۱۳۹۴/۱۱/۸ و تبصره ۳ ماده ۲۱ منصوبه شماره ۹۵/۵۶۹۴/ص - ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ شورای اسلامی شهر شیراز به دلایل مندرج در آراء شماره ۸۵۰-۱۳۹۴/۷/۷ و ۱۲۳۳ الی ۱۲۳۶ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ و ۱۰۰۴ - ۱۳۹۶/۱۰/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی

هر سال پس از اخذ مجوزهای قانونی لازم، سهمیه استخدام عضو غیر هیأت علمی مؤسسه را تعیین و ابلاغ می‌نماید.» خامساً: با توجه به این که آزمون دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۹۲ برگزار شده است و بر اساس مواد مختلف قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برنامه پنجم توسعه، جمهوری اسلامی ایران هرگونه استخدام و بکارگیری افراد چه به صورت رسمی و پیمانی و چه به صورت قراردادی موکول به صدور مجوز استخدامی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و شورای توسعه) شده است و در آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نیز، شرط لازم و اولیه برای جذب و بکارگیری افراد «صدور مجوز استخدامی» اعلام شده است و دانشگاه ارومیه همانگونه که در متن آگهی استخدام مشهود است و در لوائح دفاعیه نیز بدان پرداخته است بدون کسب مجوز استخدامی از مراجع ذیصلاح، رأساً اقدام به برگزاری آزمون استخدامی نموده است و شکات پرونده‌ها نیز نتوانسته اند هیچ گونه مجوز عام و یا خاصی ارائه دهند و با توجه به اینکه بر اساس رأی وحدت رویه ۱۱۷ - ۱۳۹۱/۳/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، امتیازات حاصل از اقدامات غیر قانونی، حق مکتسبه‌ای برای دارندگان آن ایجاد نخواهد کرد، بنابراین رأی به رد شکایت به شرح مندرج در گردشکار صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

ج - شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۲۰۰۳۱۰ با موضوع دادخواست آقای رامین رزاق‌پور به طرفیت دانشگاه پردیس ارومیه، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و به خواسته الزام به استخدام بر اساس قبولی در آزمون کتبی و سیر مراحل استخدامی به موجب دادنامه شماره ۱۴۶۷-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۱۴۶۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه اخذ مجوز استخدامی اصولاً می‌بایست قبل از برگزاری آزمون انجام شود و برای پذیرفته‌شدگان آزمون مربوط از جمله شاکی، حق مکتسبی ایجاد شده است با توجه به اینکه حسب لایحه ابرازی اخیر شاکی، تعدادی از پذیرفته‌شدگان نهایی به کار گرفته شده‌اند و اعمال تبعیض در پذیرش برخی افراد و عدم پذیرش دیگران فاقد وجهت قانونی است، فلذا شکایت وارد تشخیص می‌گردد و مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم الزام طرف‌های شکایت به اجابت خواسته شاکی صادر و اعلام می‌گردد این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب محترم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۲۹۲۰ - ۱۳۹۶/۹/۲۶ شعبه ۲۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است:

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان عدالت اداری تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: اولاً: بر اساس ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام در دستگاههای اجرایی هستند بر اساس مجوزهای صادره انجام می‌شود و برابر ماده ۵۱ قانون مذکور، مجموع مجوزهای استخدام دستگاههای اجرایی با رعایت فصل دوم این قانون در برنامه‌های پنج ساله تعیین می‌شود و سهم هر یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در تبصره ماده ۵۱ قانون مدیریت خدمات کشوری تصریح شده است: «هر گونه بکارگیری نیروی انسانی در دستگاههای اجرایی خارج از مجوزهای موضوع این ماده خلاف قانون محسوب و ممنوع می‌باشد و پرداخت هر گونه وجهی به افرادی که بدون مجوز به کار گرفته می‌شوند تصرف غیر قانونی در اموال عمومی محسوب می‌گردد.» به موجب تبصره ماده ۳۲ قانون یادشده دستگاههای اجرایی می‌توانند در شرایط خاص با تأیید سازمان تا ده درصد پستهای سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یک سال به کار گیرند. همچنین به موجب ماده ۱۲۴ قانون فوق‌الذکر بکارگیری نیروی انسانی در برخی از مشاغل که سازمان اعلام می‌دارد در سقف پستهای سازمانی مصوب و مجوزهای استخدامی بر اساس قانون کار امکان‌پذیر می‌باشد. ثانیاً: به موجب ماده ۵۱ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مقرر شده است، تعداد مجوزهای استخدامی برای هر سال در سقف اعتبارات مصوب در قانون بودجه با رعایت مفاد بند (ب) ماده ۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور و معاونت (برنامه و بودجه) به تصویب شورای توسعه مدیریت برسد. در بند (ت) ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است: «... اعطاء مجوز هر نوع استخدام و بکارگیری نیرو و همچنین مصوبات هیأت‌های امناء که متضمن بار مالی برای دولت باشد در صورتی قابل طرح و تصویب و اجراء است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذی ربط تأمین شده باشد...» ثالثاً: در ماده ۱۲۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ استخدام نیروی انسانی صرفاً بر اساس ماده ۵۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و مواد ذی ربط قانون مدیریت خدمات کشوری مجاز اعلام و هر گونه استخدام مازاد بر آن تخلف و پرداخت هر گونه وجهی توسط هر دستگاه اجرایی برای جبران استخدام‌های غیر قانونی تصرف در اموال عمومی و موجب تعقیب قضایی مسوول دستگاه اجرایی شمرده شده است. رابعاً: مطابق ماده ۳ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری وزیر علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۹۰ بکارگیری و جذب اعضای به صورت قراردادی و همچنین استخدام اعضای به صورت پیمانی و رسمی (با رعایت سهمیه ابلاغی از سوی وزارت) در مؤسسه در قالب تشکیلات سازمانی مصوب، بر اساس نیاز سازمانی و موافقت بالاترین مقام اجرایی مؤسسه، منحصراً پس از تصویب هیأت امناء و احراز صلاحیتهای لازم توسط مراجع ذیصلاح از طریق آزمون و مصاحبه و یا هر دو با توجه به اصل شایستگی و انتخاب اصح انجام می‌پذیرد. در ماده ۲ آیین‌نامه آمده است: «وزارت در

شماره ۹۷۰۰۱۲۰

۱۳۹۷/۱۲/۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ با موضوع: «ابطال مصوبه اصلاح ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۴۷/ت/۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ هیأت وزیران» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۱/۹ شماره دادنامه: ۱۹۹۷ شماره پرونده: ۱۲۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه اصلاح ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۴۷/ت/۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ هیأت وزیران

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال مصوبه اصلاح ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۴۷/ت/۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رییس محترم دیوان عدالت اداری

سلام و علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند مصوبه اصلاح ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت از جهت انطباق با قانون مورد بررسی قرار گرفت.

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۵۷۶/۱۱ - ۱۳۸۵/۷/۴ وزارت راه و ترابری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: در ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۴۷/ت/۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ عبارت «بنا به دستور وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی یا نمایندگان مجاز از طرف آنها با توجه به امکانات خزانه و در قالب اعتبارات تخصیص یافته حداکثر تا میزان ده درصد اعتبار مصوب سال جاری هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب ملی و پانزده درصد اعتبار مصوب سال جاری هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی» به عبارت «بنا به دستور بالاترین مقام اجرایی یا نماینده مجاز از طرف آنها و حداکثر تا پنج درصد سرجمع مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان» اصلاح گردد. اصلاحیه مذکور مغایر با قانون است، چرا که:

دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی» با لفظ «جمع» داده شده و هیچگونه محدودیت یا ممنوعیتی نیز مبنی بر عدم امکان جابجایی از سرجمع اعتبارات موصوف ایجاد نگردیده است. در ضمن، لازم به ذکر است، چنانچه قانونگذار نظر به «هر یک از طرح‌ها» داشت، این موضوع را همانند ماده (۱۶) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) - مصوب ۱۳۹۳، به صراحت عنوان می‌نمود. مفاد این ماده بیان می‌دارد: «ماده ۱۶- افزایش اعتبار هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا معادل ده درصد (۱۰٪) از محل صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای هر دستگاه مجاز است. اعمال این حکم در مورد اعتبارات دستگاهها و دارندگان ردیف منوط به پیشنهاد دستگاههای ذی ربط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سقف کل اعتبارات طرح است.

۳- با توجه به موارد پیش گفته، هیأت وزیران برابر ماده (۱) اصلاحی مصوبه مرقوم، عنوان می‌دارد:

«ماده ۱- وجوه لازم برای خرید وسایل، لوازم، مصالح ساختمانی، قطعات یدکی و ماشین‌آلات کارگاهی مورد نیاز طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، موضوع ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت بنا به دستور بالاترین مقام اجرایی با نمایندگان مجاز از طرف آنها و حداکثر تا پنج درصد سرجمع اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان در مقابل درخواست وجه در اختیار دستگاه اجرایی مربوط قرار می‌گیرد تا به شرح سایر مواد این آیین‌نامه هزینه گردد.»

در خاتمه، با توجه به موارد معنونه و اینکه در قسمت اخیر ماده (۸۱) قانون مورد اشاره، آیین‌نامه اجرایی مربوطه بر عهده دولت قرار گرفته و هیأت وزیران نیز در حدود صلاحیت قانونی خود اقدام به وضع مقرره اصلاحی موصوف نموده است، صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ مقرر شده است «به منظور کمک به تهیه به موقع مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات، قطعات یدکی مورد نیاز پیش‌بینی شده در طراحی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا میزان پنج درصد اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی، جهت خرید لوازم و مصالح فوق اختصاص داده می‌شود و دستگاههای اجرایی حسب مورد مکلفند پس از تحویل کالاها و مصالح خریداری شده به پیمانکاران، هزینه تمام شده آنها را به میزانی که در آیین‌نامه این ماده پیش‌بینی خواهد شد از صورت وضعیت کسر و مابه‌التفاوت به هزینه قطعی طرح منظور می‌گردد.» نظر به اینکه مراد مقنن در ماده فوق، اختصاص پنج درصد اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی برای تملک به اجرای هر طرح با اقتضائات و ویژگی‌های خاص آن بوده است، بنابراین حکم مقرر در ماده ۱ اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که براساس آن اختصاص پنج درصد سر جمع مصوب اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد سر جمع مصوب اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی برای اجرای حکم قانونگذار مقرر شده است، مغایر با حکم ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

اولاً - در ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مقرر شده است: «به منظور کمک به تهیه به موقع مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات، قطعات یدکی مورد نیاز پیش‌بینی شده در طراحی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا میزان پنج درصد (۵٪) اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد (۱۰٪) اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی، جهت خرید لوازم و مصالح فوق اختصاص داده می‌شود و دستگاههای اجرایی حسب مورد مکلفند پس از تحویل کالاها و مصالح خریداری شده به پیمانکاران، هزینه تمام شده آنها را به میزانی که در آیین‌نامه این ماده پیش‌بینی خواهد شد از صورت وضعیت کسر و مابه‌التفاوت به هزینه قطعی طرح منظور می‌گردد.» به طوری که ملاحظه می‌فرمایند در ماده مذکور، عبارت «سر جمع اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای» قید نشده است.

ثانیاً - سیاق ماده ۸۱ قانون مارالذکر از جمله عبارت: «در طراحی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای» ناظر هر طرح بوده و نه سرجمع آنها، اختصاص پنج درصد اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی، از این جهت به هر طرح برمی‌گردد که هر طرح اقتضائات خاص خود را دارد و با این اجازه ممکن است؛ اعتبارات یک طرح مهم مصروف خرید مصالح کالا برای یک طرح غیر مهم شود و به این ترتیب اقتضا دارد برخی طرح‌ها به کنار گذاشته شود و ملاحظه غیر کارشناسی جایگزین آن گردد. به عبارت دیگر اجازه هزینه از سرجمع اعتبارات مواجه با این اشکال خواهد شد که اعتبارات در محل‌هایی با اولویت کمتر از مواردی که از نظر قانونگذار در اولویت‌ها هستند، هزینه شود. بنابراین خواهشمند است دستور فرمایید به موضوع خارج از نوبت در هیأت عمومی دیوان (برای ابطال آن) رسیدگی و از نتیجه این سازمان را مطلع نمایند.»

متن مصوبه مورد اعتراض به شرح زیر است:

«اصلاح ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت وزارت راه و ترابری - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۵۷۶/۱۱ - ۱۳۸۵/۷/۴ وزارت راه و ترابری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

در ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۴۷/۴۱۴۷-۲۶۳۰۹ هـ - ۱۳۸۱/۲/۴ عبارت «بنا به دستور وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی یا نمایندگان مجاز از طرف آنها با توجه به امکانات خزانه و در قالب اعتبارات تخصیص یافته حداکثر تا میزان ده درصد اعتبار مصوب سال جاری هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب ملی و پانزده درصد اعتبار مصوب سال جاری هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی» به عبارت «بنا به دستور بالاترین مقام اجرایی یا نمایندگان مجاز از طرف آنها و حداکثر تا پنج درصد سرجمع اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد سرجمع اعتبارات دارایی‌های سرمایه‌ای استان» اصلاح می‌گردد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت آحوزه معاونت حقوقی رئیس جمهوری [به موجب لایحه شماره ۲۶۴۸۲/م/۹۷/۳۶۳۰۸-۱۳۹۷/۸/۱۵-۳۶۳۰۸ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیر کل محترم دفتر هیأت عمومی و سرپرست هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری با سلام و احترام؛

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۱۹۷ (بایگانی: ۹۱۵۳۶) موضوع ارسال نسخه دوم درخواست سازمان بازرسی کل کشور، به خواسته؛ «ابطال اصلاحیه ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده ۸۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ (تصویب‌نامه شماره ۱۸۵۹۳/۱۸۵۹۳-۳۶۰۹ هـ - ۱۳۸۶/۲/۱۱ هیأت وزیران)». اعلام می‌دارد:

۱- برابر ماده (۸۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰)، مقرر گردیده است:

«ماده ۸۱- به منظور کمک به تهیه به موقع مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات، قطعات یدکی مورد نیاز پیش‌بینی شده در طراحی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تا میزان پنج درصد (۵٪) اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و ده درصد (۱۰٪) اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب استانی، جهت خرید لوازم و مصالح فوق اختصاص داده می‌شود و دستگاههای اجرایی حسب مورد مکلفند پس از تحویل کالاها و مصالح خریداری شده به پیمانکاران، هزینه تمام شده آنها را به میزانی که در آیین‌نامه این ماده پیش‌بینی خواهد شد از صورت وضعیت کسر و مابه‌التفاوت به هزینه قطعی طرح منظور می‌گردد.»

۲- همان گونه که ملاحظه می‌گردد، در ماده مزبور به دولت اجازه جابجایی اعتبارات مربوط به «اعتبارات مصوب طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی» و «اعتبارات تملک

شماره ۹۶۰۰۸۴۶

۱۳۹۷/۱۲/۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰۹

مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ با موضوع: «ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۶۰/۱۱۹۳۵۹/۲۲ - ۱۳۹۶/۵/۲۲

و ۶۰/۱۲۴۰۰۳ - ۶۰/۱۲۴۰۰۳/۹-۱۳۹۶/۶/۹ وزیر صنعت، معدن و تجارت» جهت درج در روزنامه رسمی

به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

می‌نمایند اطلاق می‌شود. که شامل تولیدکننده و توزیع‌کننده به صورت کلی و جزئی می‌شود. ملاحظه می‌فرمایید که قانونگذار جهت ایجاد شفافیت و انتظام در بازار مصرف، درج قیمت در تمامی مراحل ارائه کالا را الزامی می‌دارند و بخشنامه‌های مورد اعتراض در تفکیک بین تولیدکننده و توزیع‌کننده (خرده‌فروشی) اقدامی خلاف و مغایر قوانین انجام داده و وزیر وقت در بخشنامه مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۲ به بند ۲۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری استناد کرده که باعث تعجب و حیرت می‌شود چرا که مفهوم و منطوق بخشنامه‌های صادره مخالف شفاف‌سازی برای مصرف‌کنندگان و انجام وظایف توسط ناظرین قانونی و مراجع ذی‌صلاح بوده و زمینه پایمال شدن حقوق عمومی ایرانیان شریف را فراهم می‌کند.»

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:
۱۳۹۶/۵/۲۲ - ۶۰/۱۱۹۳۵۹

«جناب آقای خسرو تاج، قائم‌مقام وزیر در امور تجارت و رییس سازمان توسعه تجارت ایران

جناب آقای صالحی نیا، معاون امور صنایع

جناب آقای صادقی، معاون امور اقتصادی و بازرگانی

جناب آقای نوایی معاون وزیر، رییس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان

رؤسای محترم سازمانهای صنعت، معدن و تجارت استانها

موضوع: شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار با سلام

در راستای اجرای بند «۲۲» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مشعر بر شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار» و ایجاد فضای رقابتی سالم و بهبود فضای کسب و کار، رعایت توأمان حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و حذف واسطه‌های غیر ضرور در زنجیره تأمین و توزیع کالا با هدف کاهش قیمت مصرف‌کننده و حداکثر نمودن منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در بازار رقابتی همچنین اجرای ماده «۵» قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، ماده «۶» قانون تعزیرات حکومتی و ماده «۱۵» قانون نظام صنفی و به جای الزام تولیدکنندگان به درج قیمت مصرف‌کننده بر روی کالا، طرح «درج و یا نصب برچسب قیمت توسط واحدهای خرده‌فروشی» برای اجرا در خصوص کالاهای منتخب ذیل در سراسر کشور ابلاغ می‌گردد.

الف - فهرست محصولات مشمول طرح

محصولات صنایع بیسکویت، شیرینی، کیک و شکلات

انواع چیپس و اسنک

محصولات صنایع سلولزی بهداشتی

ب - زمان شروع اجرای طرح

از ابتدای مهر ماه سال ۱۳۹۶

ج - چگونگی اجرای طرح

در این مرحله واحدهای تولیدی مشمول، بدون الزام به درج قیمت مصرف‌کننده بر روی کالاها موظفند با رعایت شرایط رقابتی، محصولات خود را قیمت‌گذاری و به بازار عرضه نمایند و کلیه واحدهای خرده‌فروشی نیز مکلفند مطابق قوانین موضوعه نسبت به اطلاع‌رسانی قیمت‌های این گروه از کالاها به وسیله درج و یا نصب برچسب قیمت بر روی کالا، در محل عرضه و مستند به فاکتورهای خرید و با حداقل قیمت رقابتی و رعایت انصاف اقدام و در صورت تقاضای مصرف‌کننده فاکتور رسمی صادر نمایند.

سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استانها، مسئول نظارت بر حسن اجرای این طرح خواهد بود. - محمدرضا نعمت‌زاده

۱۳۹۶/۶/۹ - ۶۰/۱۲۴۰۰۳

جناب آقای خسرو تاج

قائم‌مقام وزیر در امور تجارت و رییس سازمان توسعه تجارت ایران

جناب آقای صالحی نیا

معاون امور صنایع

جناب آقای صادقی

معاون امور اقتصادی و بازرگانی

جناب آقای نوایی

معاون وزیر، رییس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان رؤسای سازمانهای

صنعت، معدن و تجارت ۲۱ استان و جنوب استان کرمان

موضوع: شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۱/۹ شماره دادنامه: ۲۰۱۱ - ۲۰۱۰ - ۲۰۰۹

شماره پرونده: ۸۴۶/۹۶، ۱۰۴۹/۹۶ و ۲۲۷۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان مهدی بهروزی‌فر، محمدجواد کجوری، وریا فرحناکی و صادق بشیری
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۱۳۹۶/۵/۲۲

و ۶۰/۱۲۴۰۰۳ - ۱۳۹۶/۶/۹ وزیر صنعت، معدن و تجارت

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌هایی با مضمون واحد ابطال بخشنامه‌های شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۱۳۹۶/۵/۲۲ و ۶۰/۱۲۴۰۰۳ - ۱۳۹۶/۶/۹ با عنوان عدم درج قیمت توسط تولیدکنندگان کلیه کالاها و محصولات، را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«ریاست و قضات محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

به شرح آتی و برابر مستندات اعلامی مغایرت و خلاف قوانین بودن بخشنامه‌های مورد اعتراض در ستون خواسته محرز و مسجل می‌نماید لذا بدو تقاضای صدور دستور موقت به لحاظ حفظ و جلوگیری از تضییع حقوق عمومی آحاد شهروندان ایرانی و سپس ابطال بخشنامه‌های مورد شکایت را دارم:

۱- ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان بیان می‌دارد: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب به گونه‌ای که برای همگان قابل رؤیت باشد، اعلام نمایند.»

۲- ماده ۶ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان می‌دارد: «عدم درج قیمت: عبارتست از عدم درج قیمت کالاها یا خدمات مشمول به نحوی که برای مراجعین قابل رویت باشد به صورت نصب برچسب با اتیکت یا به صورت نصب تابلوی نرخ در محل واحد تعزیرات عدم درج قیمت به شرح زیر می‌باشد:

مرتبه اول - تذکر (۲)، درج در پرونده واحد

مرتبه دوم - اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال

مرتبه سوم - اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از ۳ تا ۶ ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به عنوان متخلف

تبصره - در مواردی که قیمت رسمی برای کالا و خدمات تعیین شده باشد درج قیمت بر اساس قیمت رسمی خواهد بود.

ماده ۱۵ قانون نظام صنفی کشور مقرر می‌دارد: «افراد صنفی عرضه‌کننده کالاها و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب و به گونه‌ای که برای همگان قابل رؤیت باشد، اعلام کنند.

تبصره ۱: هر فرد صنفی در مقابل دریافت بها، اجرت یا دستمزد باید صورتحسابی شامل نام و نشانی واحد صنفی، تاریخ، مبلغ دریافتی و نوع و مشخصات کالاهای فروخته شده یا خدمات انجام شده را به مشتری تسلیم دارد.

تبصره ۲: مجمع امور صنفی می‌تواند با تصویب کمیسیون نظارت مرکز استان، بعضی از صنوف یا مشاغل را تا مبلغی معین، یا برخی دیگر را که دادن صورتحساب برای آنها مشکل است، از دادن صورتحساب معاف کند.

تبصره ۳: افراد صنفی که کالاهای خود را به صورت کلی عرضه می‌دارند باید از صورت حسابهای چاپ شده استفاده کنند و مشخصات خریدار را نیز در آن بنویسند.

تبصره ۴: فرد صنفی، مسئول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه شده یا خدمت ارائه گردیده با وجه یا اجرت دریافتی مندرج در صورتحساب است. وزارت صنعت، معدن و تجارت به موجب بخشنامه‌های مندرج در ستون خواسته، بر خلاف قوانین یادشده، الزام به درج قیمت روی برخی اقلام مصرفی توسط واحدهای رسیدی دارای بسته‌بندی را حذف کرده است.

در قوانین کلیه عرضه‌کنندگان مکلف به درج قیمت بر روی محصولات تولیدی می‌باشند ولی بخشنامه‌های مورد شکایت، واحدهای تولیدی مشمول ماده یک قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را که جزئی از عرضه‌کنندگان کالا هستند را معاف از درج قیمت کرده است درحالی که بند ۲ - ۱ ماده یک قانون یادشده، عرضه‌کنندگان مشمول مواد استنادی را تعریف کرده است:

ماده ۱: تعاریف ۱- ۱ مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.

۲- ۱ عرضه‌کنندگان کالا و خدمات: به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاهها، موسسات و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه

با سلام

بدین وسیله اقلام زیر به کالاهای مندرج در بند (الف) ابلاغیه شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۱۳۹۶/۵/۲۲ اضافه می‌شود:

الف - فهرست محصولات مشمول طرح

انواع محصولات کارخانه ای، کنسرو، کمپوت، سس، ترشی، شور، مربا و عسل دارای بسته بندی. - محمد شریعتمداری»

طرف شکایت علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم شکایت و ضامته تا زمان رسیدگی به پرونده‌های مذکور پاسخی ارسال نکرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر شده است « کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب به گونه‌ای که برای همگان قابل رؤیت باشد، اعلام نمایند.» همچنین به موجب بند ۲-۱ ماده ۱ همین قانون «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاهها، مؤسسات و شرکتهایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند، اطلاق می‌شود.» بنابراین عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات که مطابق ماده ۵ قانون یاد شده موظف به الصاق برچسب و قیمت کالاها به طور روشن و مکتوب شده‌اند، براساس بند ۲-۱ ماده ۱ همین قانون هم شامل تولیدکنندگان و هم شامل توزیع‌کنندگان و فروشندگان کالاها می‌شود و در عین حال، مفید الزام تولیدکنندگان کلیه کالاها و محصولات به درج برچسب قیمت بر روی محصولاتشان می‌باشد. از این رو حکم مقرر در بخشنامه‌های شماره ۶۰/۱۱۹۳۵۹ - ۱۳۹۶/۵/۲۲ و شماره ۶۰/۱۲۴۰۰۳ - ۱۳۹۶/۶/۹ وزیر صنعت، معدن و تجارت که تولیدکنندگان محصولات مندرج در بخشنامه‌ها از جمله صنایع بیسکوئیت، شیرینی، کیک، شکلات، انواع چیپس و اسنک و محصولات صنایع سلولزی بهداشتی و محصولات کارخانه‌ای کنسرو، کمپوت، سس، ترشی، شور، مربا و عسل را از درج قیمت معاف کرده، خلاف قانون و خارج از اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۲۵۰

۱۳۹۷/۱۲/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان‌عدالت‌اداری به‌شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰۴ «ابطال بخشنامه‌های ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۰۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱ مدیریت استان قم (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۱/۹

شماره دادنامه: ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۸

شماره پرونده: ۱۲۵۰/۹۶، ۱۴۱۸/۹۶، ۱۴۱۹/۹۶، ۱۴۴۷/۹۶، ۱۶۲۳/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: خانمها افسانه کریمی، خدیجه قربانی، ناهید باقری، اعظم قرایلو و مریم کاویانی
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه‌های ۲۵۰۱۸/ص/۲۰۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱ مدیریت استان قم (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش
گردش کار:

الف: خانم مریم کاویانی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه ۲۵۰۱۸/ص/۲۰۲ - ۱۳۹۶/۴/۱ مدیریت استان قم (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام، احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب مریم کاویانی دبیر رسمی آموزش و پرورش ناحیه ۴ شهر قم، از تاریخ ۱۳۶۹/۹/۴ الی ۱۳۷۵/۳/۳۱ به عنوان معلم حق‌التدریس خدمت نمودم و از تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱ تاکنون به صورت رسمی مشغول به خدمت می‌باشم. با تصویب و قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش بخشنامه ۷۱۰/۲۳ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ در رابطه با تعیین بدهی کسورات و سنوات غیررسمی ابلاغ نمود که به موجب آن با پرداخت کسور متعلقه، سوابق حق‌التدریس در مدارس دولتی و نهضت سوادآموزی به تناسب خدمت تمام وقت از لحاظ سابقه خدمت و بازنشستگی محسوب شود و مهلت داده شده تا پایان اسفند ماه ۱۳۹۵ جهت محاسبه و پرداخت کسورات به اداره متبوع مراجعه نمایم، اینجانب نیز پیرو بخشنامه مذکور در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ مراجعه و به موجب درخواست ثبت شده به شماره ۹۵۴۳۱ - ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ تقاضای محاسبه کسورات جهت پرداخت، نمودم که گفته شد تقاضای من بررسی می‌شود سپس در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۱ با من تماس گرفته شد که کسورات اینجانب محاسبه شده و جهت پرداخت آن مراجعه نمایم. با مراجعه به اداره مذکور و واریز مبلغ تعیین شده برای اینجانب طی فیش شماره ۰۹۹۱۹۸ - ۱۳۹۶/۲/۱۲ به حساب بازنشستگی کشوری، طبق نرخ همان زمان کسورات اینجانب محاسبه و تسویه گردید (تأخیر در زمان محاسبه به عهده آموزش و پرورش می‌باشد) یک ماه و اندی پس از تسویه حساب و محاسبه کسورات اینجانب به موجب ماده ۷ بخشنامه ۱۳۹۶/۳/۱۰ به شماره ۷۱۰/۵ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی و بخشنامه شماره ۲۵۰۱۸/ص/۲۰۲ - ۱۳۹۶/۴/۱ صندوق بازنشستگی، مقرر گردید از تاریخ ۱۳۹۶/۲/۵ تعیین بدهی براساس حداقل حقوق کارمندان در سال ۱۳۹۶ محاسبه و دریافت شود این در حالی است که اینجانب قبل از صدور ابلاغ بخشنامه نسبت به تقاضای محاسبه کسورات و پرداخت آن اقدام نمودم و تسویه حساب کردم اما با صدور این بخشنامه باید مجدداً مبلغ مذکور با عطف به ماسبق نمودن مفاد خود، حق مکتسبه بنده را زایل نموده است و با عنایت به این که اصل عطف به ماسبق قوانین اعم از حقوق و اداری و کیفری است و تسری قانون نسبت به تاریخ لازم‌الاجراء شدن، استثنا و خلاف اصل است مگر این که در متن قانون به آن تصریح شود و یا به حال اشخاص نافع تر باشد و باید به صورت مضیق تفسیر گردد و تنها در موارد نافع تر به حال اشخاص باید به گذشته تسری بخشنامه‌های مذکور به تاریخ یک ماه و اندی قبل از صدور و ابلاغ، تضييع حقوق مکتسبه اشخاص بر خلاف اصل مذکور و قانون می‌باشد لذا رسیدگی و ابطال بخشنامه مذکور مستدعی است.

و مهم تر آن که بخشنامه شماره ۱۳۷/۹۷۸۷۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی جهت تعیین تکلیف استخدامی و محاسبه سنوات مستخدمین است که مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمده است در حالی که بنده در ۱۳۷۶/۷/۱ سنواتم محاسبه گردیده و جزو حکم درآمده و به استخدام آموزش و پرورش درآمده ام پس بخشنامه جدید شامل حال بنده نمی‌باشد. طبق قانون کسورات بنده باید براساس اولین حقوق رسمی اینجانب محاسبه گردد.»

متعاقباً شاکي به موجب لایحه تکمیلی اعلام کرده است که:

«به: دیوان عدالت اداری

موضوع: توضیحات تکمیلی در خصوص قوانین تعیین مبلغ کسور بازنشستگی نیروهایی که به صورت حق‌التدریس تمام‌وقت و یا پاره‌وقت فعالیت داشته و جذب آموزش و پرورش گردیده‌اند:

با سلام و احترام، به استحضار می‌رساند، پیرو اخطار رفع نقص شکایت، به شماره پیگیری ۹۶۱۲۵۰ در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، توضیحات تکمیلی در خصوص عملکرد و مشمولین هر دو قانون ماده ۳ و تبصره ماده ۸۵ قانون استخدامی و قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس، حضورتان تقدیم می‌گردد.

با توجه به نیاز آموزش و پرورش جهت تأمین نیرو به صورت معلمان کنون، از سوی مجلس شورای اسلامی، مجوزهایی جهت تأمین نیرو به صورت معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی به وزارت آموزش و پرورش ارائه شد که این نیروها از سال ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۷۶ صرفاً به صورت تمام‌وقت، هفته‌ای (۲۴ ساعت دبیران و ۲۸ ساعت آموزگاران) مشغول به کار بوده‌اند. این در حالی است که اکثر آنها در شهریور ماه سال ۱۳۷۶ با تبدیل وضعیت بر اساس مجوز شماره ۴۱/۵۲۷۰ - ۱۳۷۵/۱۲/۲۲ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، به حالت نیروی رسمی جذب آموزش و پرورش گردیده‌اند. به دلیل تمام وقت بودن سنوات حق‌التدریسی آنها، آموزش و پرورش بر اساس تبصره ۲ ماده ۱ و ماده ۳ قانون استخدام کشوری مصوب مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ به تصویب رسیده و ماده ۸۵ قانون استخدامی، مکلف به پذیرش

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، به موجب لایحه شماره ۹۶۱۲۵۰ - ۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۷ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، پاسخ داده است که:

«به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

بیرو اخطار به رفع نقض شکایت با شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۰۴۸ با ردیف فرعی یک و شماره پیگیری ۹۶۰۱۲۵۰ در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری جهت ادامه روند دادرسی: ماده ۴ قانون مدنی در بیان قلمرو قانون در زمان می‌گوید: (اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد) در این راستا به موجب آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری حقوق مکتسبه که در طول یک زمان معقول و به گونه‌ای قانونی و مشروع شکل گرفته و یا ثبات یافته با تغییر قانون از بین نرفته و قانون سابق بعد از نسخ نیز توسط قانون جدید حکومت خواهد داشت. رأی شماره ۴۳۰ - ۱۳۸۶/۶/۱۸ در خصوص سلب حق مکتسبه شماره ۵۴۴ - ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ راجع به تغییر حق مکتسب و آراء شماره ۳۸۹ - ۱۳۸۶/۶/۴ و ۷۰۵ - ۱۳۸۳/۲/۱۰ تحدید حق مکتسب که از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده اصل عطف به ماسبق نشدن قانون را در مورد حقوق مکتسبه قانونی و لزوم احترام به این اصل را پذیرفته و بر مبنای کنترل قضایی نادیده گرفته شدن حق مکتسبه اشخاص و سلب آن را و همچنین تغییرات و تحدید این حق با تلقی نمودن نسخ قانون سابق و وضع قانون لاحق از ناحیه مقامات اداری مورد حکم قرار داده است. در حقوق اداری این اصل تحت عنوان اصل به ما سبق نشدن اعمال اداری شهرت دارد مطابق این اصل هر گاه مردم عملی انجام داده باشند و سپس آیین‌نامه‌ای وضع شود نمی‌تواند اعمال قبلی مردم را باطل نموده و مطابق آن مردم و افراد را مسئول قلمداد کند این اصل یکی از ارکان اصلی و پایه‌ای حاکمیت قانون محسوب می‌شود. اصل عطف به ماسبق نشدن می‌گوید: اصل بر این است که قوانین و مقررات اثر قهری ندارند مگر اینکه ترتیبات دیگری را معین نموده باشد (قسمت دوم ماده ۴ قانون مدنی) به عبارت دیگر تعیین تأثیر قهری قانون خلاف اصل کلی و در حیطه صلاحیت‌های اختصاصی قانون‌گذار است و مقام‌های اداری به هیچ وجه حق عطف به ما سبق نمودن قوانین به جز در مواردی که ماذون از قبل مقنن باشد را نخواهند داشت به همین سبب عدم رعایت این اصل در رویه قضایی دادگاه‌های اداری فرانسه و انگلیس نیز به عنوان مبنای جهت کنترل قضایی و ابطال اقدامات اداری به دلیل خروج از صلاحیت و عدم احترام به حقوق مکتسبه قرار گرفته و جزء حقوق اولیه هر شهروند تلقی می‌گردد لیکن باید توجه داشت که این اصل در مواردی ممکن است با استثنا آتی مواجه گردد. توجه به نکات ذیل حائز اهمیت ویژه‌ای است:

۱- امکان عطف به ماسبق شدن در قوانین عادی و در حقوق اداری نیز ممکن است قانونگذار بنا بر مصالحی از جمله نفع عمومی قانون را عطف به ماسبق نماید (به ویژه در قوانین مالیاتی) یا ترتیب قانونی دیگری برای آن معین نموده و یا زمان خاصی را جهت تعیین تاریخ اثر قانون معین کند.

۲- بر خلاف اصل کلی که در دادرسی‌های کیفری رایج است هر گاه در دادرسی‌های اداری قانون مستلزم تخفیف یا ترتیبات مطلوب‌تری نسبت به قانون قبلی باشد نمی‌توان به قاعده کلی عطف به ما سبق شدن در چنین مواردی حکم داد و با توجه به قضیه و نفع مطروحه دادگاه‌های اداری رویه‌های متعددی را اتخاذ نموده اند اما به نظر می‌رسد با توجه به اصل تفسیر به نفع شهروند و روح و هدف دادگاه‌های اداری می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اصل بر عدم عطف به ماسبق شدن قوانین اداری است مگر اینکه به جهتی از جهات به نفع شهروند باشد. دیوان عدالت اداری در آراء متعددی تصمیمات مقامات اداری را از جهت رعایت و عدم رعایت اصل عطف به ما سبق نشدن مورد کنترل قضایی قرار داده است و این استدلال مبنای ابطال برخی تصمیمات و اقدامات اداری قرار گرفته است. نخستین رأی که دیوان در این خصوص صادر نموده است مربوط به قضیه ابطال برخی از موارد آیین‌نامه اجرایی قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ است که دیوان با استدلال اینکه آیین‌نامه در موارد ۵ و ۶ عطف به ماسبق شده است را ابطال نموده است. در راستای اعمال و تضمین احترام به اصل معمولاً دیوان به شکل صریح یا ضمنی در آراء خود به این مسئله توجه داشته است که می‌توان به نوعی مصادیق عینی تضمین اصل عطف به ماسبق نشدن و نسبت آن با حقوق مکتسبه شهروندان را به عینه و به گونه‌ای استثنایی در آراء دیوان مشاهده نمود ذیل به برخی از آنها برای نمونه اشاره می‌نمایم:

۱- تغییر در تاریخ اجرای قانون به ضرر شهروند

الف - سازمان تأمین اجتماعی با صدور بخشنامه‌ای (بخشنامه ۱۰۹۵۶۳/۵۰۰۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۸) قانون را عطف به ما سبق می‌نماید در این پرونده شاکی اعلام می‌دارد که... همسر از سال ۱۳۷۲ اقدام به بیمه خویش فرما نموده است و تا تاریخ ۱۳۸۰ حق بیمه خود را از طریق بارنامه پرداخت می‌نماید ولی متأسفانه به علت فوت ایشان فاصله

سنوات ایام فوق گردید. خاطر نشان می‌گردد، به دلیل اینکه ماده قانونی فوق، جهت محاسبه و تعیین بدهی سنوات غیر رسمی مانند: ۱. ایام تحصیل در مراکز تربیت معلم ۲. ایام تحصیل در دانشسرا ۳. ایام خدمت در نظام ۴. پرداخت کسورات ایام اسارت آزادگان دفاع مقدس و سایر سنوات غیر رسمی، از جمله حق‌التدریس تمام‌وقت می‌باشد، لذا جهت محاسبه بدهی افراد مشمول، از اولین حکم استخدام رسمی (آزمایشی) این افراد، موارد مشمول کسور بازنشستگی (که به عنوان مبنای محاسبه بدهی بیان می‌شود) با هم جمع گردیده و جهت تعیین حق بیمه سهم مستخدم، در ۹٪ حقوق مبنا که همان نرخ کسور بازنشستگی می‌باشد، ضرب می‌شود که حاصل این محاسبه، مبلغ بدهی قابل پرداخت مشمول برای یک ماه سنوات غیررسمی تمام‌وقت است. نیروهای مشمول قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس نحوه جذب و ساماندهی و محاسبات کسورات بازنشستگی سنوات آنها:

پس از جذب و تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس تمام‌وقت در سالهای ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۷۶، به دلیل نیاز وزارت متبوع جهت جذب نیرو برای تدریس در رشته‌های خاص و با کارکرد زیر ساعت کارکرد قانونی در هفته (زیر ۲۴ ساعت در هفته)، جذب نیروهای حق‌التدریس پاره وقت در بدنه آموزش و پرورش شکل گرفت که در آن ایام، هیچ گونه ضمانتی در خصوص استخدام این افراد وجود نداشت. در سنوات بعد، این امر منجر به شکایات متعدد افراد مذکور بابت استخدام و تعیین تکلیفشان گردید که با توجه به این مسائل، آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون بکارگیری معلمان حق‌التدریس با ۱۱ ماده و بر اساس قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطرح و در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۹، بنا به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد تبصره ماده قانون فوق و مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، به تصویب رسید. یادآور می‌شود که در ماده ۳ قانون فوق، به میزان حقوق دریافتی و حداکثر سقف ساعت کاری که تا سقف ۶۰ ساعت در ماه بوده، اشاره می‌گردد. به استناد این آیین‌نامه، آموزش و پرورش مکلف به تأمین نیروی مورد نیاز، صرفاً از بین افرادی که به صورت فوق با وزارت متبوع همکاری داشته‌اند، گردید. در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریس در وزارت آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ در مجلس شورای اسلامی با ۱۴ ماده، به تصویب رسید. لازم به توضیح است که در اصلاحات بعدی در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۷، قانون الحاق سه ماده و دو تبصره تحت ماده ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به قانون فوق در مجلس به تصویب رسید. در نهایت، به دلیل اینکه سنوات غیررسمی افراد مشمول، زیر ساعت کارکرد قانونی بوده و قابل پذیرش و احتساب در سنوات رسمی آنها نبوده، در تبصره ۱۰ ماده ۱۷ این قانون مطرح و منجر به تصویب بیوست قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف حق‌التدریس مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ در مجلس شورای اسلامی گردید، که از تاریخ ۱۳۹۶/۲/۵ لازم‌الاجراء شده است. در تبصره ۱ و ۲ و ۳ این ماده، به صراحت به نحوه تناسب‌گیری ساعات کارکرد پاره‌وقت به نسبت تمام‌وقت (۲۴ ساعت در هفته) اشاره گردیده است و در نهایت، کارمند مکلف به پرداخت نقدی کسورات بازنشستگی سهم کارفرما و کارمند بر مبنای ۲۲٪ حداقل حقوق سال لازم‌الاجراء شدن این قانون که برابر با ۱۰/۳۵۰/۰۰۰ ریال است، می‌باشد. با توجه به توضیحات یاد شده، به استحضار مقام قضایی می‌رساند، اینجانب مریم کاویانی با کدملی ۰۳۸۰۹۲۶۰۹۱، که بر اساس مجوز شماره ۴۱/۲۱ - ۱۳۷۵/۱/۲۱ سازمان امور اداری و استخدامی کشوری در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۵ با ۳ سال و ۱۱ ماه و ۲۱ روز سنوات حق‌التدریس تمام‌وقت، استخدام رسمی آموزش و پرورش قم گردیده‌ام، به دلیل اینکه سنوات غیررسمی اینجانب تمام وقت بوده، در سنوات خدمتی اینجانب احتساب گردیده است که وفق ماده ۳ و تبصره ۲ ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری، جهت محاسبه بدهی کسورات بازنشستگی، به امور اداری آموزش و پرورش ناحیه محل خدمت مراجعه نموده و بعد از تعیین بدهی، با استناد به ماده فوق، مبلغ ۸۹۰/۷۹۸ ریال بدهکار شده‌ام و تحت فیش به شماره ۰۹۹۱۹۸ - ۱۳۹۶/۲/۱۲ به حساب صندوق بازنشستگی کشوری واریز نموده و جهت تأیید اسناد واریز خود را به نمایندگی صندوق بازنشستگی ارائه گردید. ولی متأسفانه صندوق بازنشستگی به دلیل تشابه اسمی، هر دو قانون و عدم استفسار مشمولین قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس، متقاضی محاسبه بدهی کسورات غیررسمی تمام‌وقت اینجانب به نرخ روز گردید که این امر منجر به افزایش مبلغ بدهی به نرخ ۹۶/۰۲۲/۱۲۵ ریال گردیده است، لذا از آن مقام قضایی خواهشمند است، پیرو مدارک ارسالی در خصوص موارد ذیل، دستورات لازم را مبذول فرمایند.

۱. تفسیر قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان که آیا صرفاً جهت محاسبه بدهی حق‌التدریس پاره وقت می‌باشد و یا خیر؟
۲. صندوق بازنشستگی با استناد به کدام بند از قانون فوق‌الذکر، متقاضی محاسبه تمامی سنوات حق‌التدریس تمام‌وقت و پاره‌وقت با این قانون می‌باشد؟»

(۲) محاسبه و توسط کارمند به حساب صندوق واریز می‌گردد بدیهی است از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون فوق، تعیین بدهی خدمت حق‌التدریس معلمان مورد نظر طبق ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری موردی نخواهد داشت و با آنان بر اساس مفاد این بند رفتار خواهد شد. کسور مذکور به صورت یکجا یا به اقساط معادل سابقه خدمت قابل احتساب (حداکثر تا موعد بازنشستگی) دریافت می‌شود.

ب: بخشنامه شماره ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰:

«اداره کل آموزش و پرورش استان...

معاونت/ سازمان/ مرکز/ کانون/ دانشگاه شهید رجایی/ دانشگاه فرهنگیان
با سلام و احترام

به پیوست قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ ارسال و به آگاهی می‌رساند؛ معلمان حق‌التدریسی که با سمت آموزگار، دبیر، هنرآموز، مربی امور تربیتی، مشاور تحصیلی و مراقبت سلامت به تدریس اشتغال داشته و به استخدام آموزش و پرورش پذیرفته شده‌اند و تا زمان لازم‌الاجراء شدن قانون (۱۳۹۶/۲/۵) در وزارت آموزش و پرورش اشتغال داشته‌اند، مشمول این قانون خواهند بود. در ضمن موارد زیر جهت اجرای دقیق و هماهنگ قانون مذکور اعلام می‌گردد.

۱- در اجرای بند (ب) ماده (۱) قانون استخدام کشوری معلمان حق‌التدریس باید دارای ابلاغ رسمی از سوی مقام صلاحیت دار (اداره آموزش و پرورش شهرستان/ منطقه/ ناحیه) بوده و بر اساس ساعت قید شده در ابلاغ مربوط انجام وظیفه نموده باشند.

۲- معلمانی که در مدارس غیردولتی اشتغال بکار داشته‌اند، مشمول این قانون نیستند.

۳- نحوه احتساب و پرداخت کسورات قانونی معلمان حق‌التدریسی که سابقه آنها بر اساس اقدام مسئولین یا مکاتبات وزارت متبوع یا آراء دیوان عدالت اداری، جزء سابقه خدمت محسوب شده و در حال حاضر نیز در آموزش و پرورش اشتغال دارند، در صورت عدم محاسبه و پرداخت کسور بازنشستگی، طبق مفاد این دستورالعمل خواهد بود.

۴- ایام حق‌التدریس معلمان مشمول این قانون با ارائه درخواست کتبی تأیید ایام حق‌التدریس از سوی ادارات آموزش و پرورش که ابلاغ حق‌التدریس آنان صادر گردیده و پرداخت کسور بازنشستگی سهم کارمند و دولت به صورت نقد یا تعهد به پرداخت اقساط توسط ذی‌نفع به طور کامل، جزء سوابق خدمت و بازنشستگی محسوب می‌شود.

۵ - مهلت قانونی ارائه درخواست جهت بهره‌مندی از مزایای این قانون از زمان لازم‌الاجراء شدن قانون (۱۳۹۶/۲/۵) حداکثر به مدت یک سال می‌باشد.

۶ - صندوق‌های بازنشستگی پس از دریافت کامل اقساط کسور بازنشستگی، موظف به احتساب سوابق مذکور در بازنشستگی واجدین شرایط می‌باشند. بدیهی است احتساب ایام حق‌التدریس در سوابق خدمت مندرج در احکام کارگزینی نیز منوط به تحقق شرایط فوق خواهد بود.

۷- مبنای پرداخت کسور بازنشستگی، حداقل حقوق یا دستمزد سال لازم‌الاجراء شدن قانون (سال ۱۳۹۶) به میزان ۱۰/۳۵۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

۸ - معلمان مشمول صندوق تأمین اجتماعی نیز مشمول این قانون هستند.

۹- مدت پرداخت اقساط، حداکثر معادل سابقه خدمت قابل احتساب (به ماه) هر یک از معلمان می‌باشد.

۱۰- ساعت تمام وقت (موظف هفتگی و سالانه) مشمولین طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور به شرح زیر می‌باشد:

الف) آموزگاران و مربیان امور تربیتی دوره ابتدایی تا تاریخ ۱۳۸۹/۶/۳۱ به میزان ۲۸ ساعت در هفته و ۱۴۵۶ ساعت در سال و از تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱ به میزان ۲۴ ساعت در هفته و ۱۲۴۸ ساعت در سال.

ب) دبیران، هنرآموزان و مربیان امور تربیتی دوره راهنمایی و متوسطه به میزان ۲۴ ساعت در هفته و ۱۲۴۸ ساعت در سال.

ج) مشاوران تحصیلی از تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۸ به میزان ۳۰ ساعت در هفته و ۱۵۶۰ ساعت در سال و از تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱ به میزان ۲۴ ساعت در هفته و ۱۲۴۸ ساعت در سال.

د) مراقبان سلامت از تاریخ ۱۳۸۴/۹/۶ به میزان ۳۰ ساعت در هفته و ۱۵۶۰ ساعت در سال.

۱۱- چنانچه مجموع ساعات حق‌التدریس افراد مشمول به میزان ساعات سالانه مندرج در بند ۱۰ برسد به میزان یک سال سنوات خدمت قابل محاسبه می‌باشد. بدیهی است خدمت کمتر از ساعات فوق به تناسب ماه و روز قابل احتساب خواهد بود.

۱۲- مفاد قانون یاد شده به معلمانی که قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون (۱۳۹۶/۲/۵) بازنشسته شده‌اند و یا به سایر دستگاه‌ها و نهادهای انتقال یافته‌اند، قابل تسری نمی‌باشد.

۱۳- مقتضی است مدیران کل آموزش و پرورش استانها تربیتی اتخاذ نمایند تا این دستورالعمل از طریق رسانه‌های جمعی استان، نظیر صدا و سیما و روزنامه‌های کثیرالانتشار و... به اطلاع کلیه واجدین شرایط برسد.

پرداخت حق بیمه تا سال ۱۳۸۱ به تأخیر افتاد اینجانب بلافاصله و پس از طی مراحل قانونی در سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بدهی گذشته اقدام و حق بیمه را تا آخر سال ۱۳۸۱ پرداخت نمودم و منتظر مستمري بیمه نشستم ولی با کمال تأسف و تعجب پس از چند ماه سرگردانی با استناد به بخشنامه ۱۰۹۵۶۳/۵۰۰۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۸ از حق مستمري محروم شدم. بخشنامه مذکور مخالف صریح بند ۱۶ ماده ۲ و بند یک ماده ۸۰ و ۸۱ قانون تأمین اجتماعی می‌باشد طبق قاعده کلی عدم عطف قانون به ماسبق این بخشنامه مخالف صریح قانون می‌باشد زیرا که اصل بر عدم جواز عطف قانون به گذشته است و تاریخ فوت همسر من قبل از تاریخ بخشنامه می‌باشد و سازمان تأمین اجتماعی بدون هیچگونه مجوز شرعی و قانونی اینجانب و فرزندانم را از حق مسلم و قانونی محروم نموده است با عنایت به مراتب تقاضای ابطال بخشنامه شماره ۱۰۹۵۶۳/۵۰۰۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۸ سازمان تأمین اجتماعی را به لحاظ خلاف قانون بودن دارم... متعاقباً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۶۷۸ - ۱۳۸۵/۹/۲۶ در خصوص ابطال بخشنامه شماره ۱۰۹۵۶۳/۵۰۰۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۸ سازمان تأمین اجتماعی اعلام می‌دارد: به صراحت ماده واحده بیمه اجتماعی رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۸ از تاریخ تصویب این قانون کلیه رانندگان وسایط حمل و نقل بار و مسافر مشمول قانون تأمین اجتماعی قرار گرفته و مکلفند حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی را رأساً بر مبنای درآمدی که همه ساله طبق ماده ۳۵ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۳/۱۹ تعیین می‌گردد حداقل سه ماهه به سازمان مذکور پرداخت نمایند و از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخوردار گردند و حسب قسمت اخیر ماده واحده مزبور به سازمان تأمین اجتماعی اجازه داده شده است که در صورت عدم پرداخت حق بیمه طبق ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی نسبت به وصول آن اقدام نماید و در جهت تحقق اهداف مقنن به شرح تبصره‌های ماده واحده فوق‌الذکر مقرراتی در باب ضمانت اجرای قانون از جمله تردد رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری در جاده‌ها به شرط داشتن دفترچه کار معتبر و همچنین جواز مطالبه و وصول حق بیمه قانونی از شرکتها و مؤسسات صادرکننده بارنامه وسیله سازمان تأمین اجتماعی وضع شده است نظر به اینکه مقررات امره فوق‌الذکر مفید نفوذ و اعتبار قانون مزبور از تاریخ اجرای آن است. اطلاق بخشنامه ۱۰۹۵۶۳/۵۰۰۰ - ۱۳۸۱/۱۲/۸ سازمان تأمین اجتماعی که مفهوم تعیین شرایط و قیود خارج از موارد مصرح در حکم مقنن نتیجتاً تغییر در تاریخ اجرای قانون به موازات تحقق شرایط و قیود غیر قانونی اخیرالذکر است خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان تأمین اجتماعی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.»

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف - بخشنامه شماره ۲۰۲/ص/۱۸۰ - ۲۵۰۱۸ - ۱۳۹۶/۴/۱:

«اداره کل آموزش و پرورش استان قم

موضوع: احتساب سابقه خدمت ایام حق‌التدریس

با سلام و احترام

با توجه به قانون طرح الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ مراتب ذیل جهت احتساب خدمت و تعیین بدهی سنوات حق‌التدریس برای اقدام لازم اعلام می‌گردد:

معلمانی که قبلاً به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده و در زمان لازم‌الاجراء شدن قانون مذکور (۱۳۹۶/۲/۵) در آموزش و پرورش اشتغال دارند، ظرف مدت یکسال (تا ۱۳۹۷/۲/۶) می‌توانند درخواست نمایند که سوابق حق‌التدریس آنها در مدارس دولتی و نهضت سوادآموزی به تناسب خدمت تمام وقت از لحاظ سابقه خدمت و بازنشستگی با پرداخت کسور متعلقه محسوب شود. بدیهی است پس از انقضای بازه زمانی مذکور قانون مورد نظر قابلیت اجرایی نخواهد داشت.

سوابق حق‌التدریس در قبال ابلاغ‌های صادره به تناسب مدت تمام وقت انجام شده (برای آموزگاران و مربیان امور تربیتی تا ۱۳۷۹/۶/۳۱ مدت ۲۸ ساعت در هفته و از ۱۳۷۹/۷/۱ به میزان ۲۴ ساعت در هفته و دبیران و مربیان امور تربیتی دوره راهنمایی و متوسطه به میزان ۲۴ ساعت در هفته تمام وقت) محاسبه می‌گردد.

به عنوان مثال چنانچه فردی دارای ابلاغ حق‌التدریس دبیری به میزان ۱۲ ساعت در هفته بوده، سابقه خدمت قابل احتساب برای این فرد به ازای چهار هفته خدمت، معادل دو هفته (۱۴ روز) خواهد بود و برای ۱۴ روز تعیین بدهی انجام می‌شود. صرفاً ایام مندرج در ابلاغ‌های خدمتی مورد محاسبه بوده و بدیهی است ایام عدم اشتغال از جمله سه ماه تابستان و ۱۵ روز اوایل فروردین که در ابلاغ خدمتی منظور نشده (درباره افرادی که ابلاغ آنها ۲۴ ساعت بود) مورد احتساب واقع نخواهد شد. تعیین بدهی بر اساس ۲۲/۵ درصد حداقل کارمندان در زمان تقاضا (مبلغ ۱۰/۳۵۰/۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۶) و بر روی فرم تعیین بدهی خدمت غیررسمی شاغلین به تناسب خدمت مندرج در توضیح بند

شورای اسلامی مفاد بخشنامه مورد استناد شاکی به شماره ۷۱۰/۲۳ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ در ارتباط با احتساب سنوات حق‌التدریس به عنوان سابقه غیررسمی منسوخ محسوب می‌شود و احتساب سنوات معلمان حق‌التدریس شاغل در زمان لازم‌الاجراء شدن قانون بر اساس مصوبه اخیر الذکر مجلس شورای اسلامی خواهد بود.»

ب - خانم‌ها ناهید باقری و افسانه کریمی، اعظم قرایلو و خدیجه قربانی همگی به موجب دادخواستهای جداگانه با متنی مشابه ابطال بخشنامه ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً اینجانبان خواستار ابطال بخشنامه ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ صادره از آموزش و پرورش وفق مواد ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت و وفق مواد ۳۵ - ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری به استناد ادله زیر: ۱- با توجه به مدارک ارائه شده تاریخ درخواست همکاران برای تعیین مبلغ صندوق بازنشستگی و همچنین تاریخ اطلاع اداره همان طور که در فرمها آمده است بعد از زمان ۱۳۹۶/۲/۵ می‌باشد و کوتاهی در محاسبه و اطلاع‌رسانی مبلغ بر عهده اداره می‌باشد و همکاران نباید بر این مبنا مبلغ هنگفتی را بابت تأخیر در اطلاع‌رسانی اداره مزبور پرداخت نمایند. ۲- به استناد تبصره ۲ ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری و به موجب بند (ه) ماده ۸ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ مبنای بدهی کسورات بازنشستگی سنوات غیررسمی کارکنان (حق‌التدریس) بر اساس حقوق فوق‌العاده شغل و تفاوت تطبیق حقوق در اولین حکم است (حکم استخدام رسمی کشوری) می‌باشد با این توضیح که تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱ شامل قانون استخدام کشوری و مبنای محاسبه کسورات اولین حقوق اولین حکم استخدام رسمی می‌باشد و می‌بایست محاسبه و مطالبه گردد اما مع الاسف طبق بخشنامه مذکور با نرخ جدید محاسبه و مطالبه می‌گردد. لذا با توجه به اینکه مشکل بوجود آمده شامل تعداد زیادی دبیران و معلمان می‌گردد و به استناد مدارک و امضاء همکار می‌باید مبالغ زیادی را معلمان زحمت‌کش پرداخت نمایند.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: قانون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ همان گونه که از عنوان آن نیز مشخص می‌باشد، الحاقی به قانون مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ می‌باشد که قانون اخیرالذکر در خصوص استخدام نیروهای حق‌التدریس در آن زمان وضع قاعده کرده و در خصوص نیروهایی که قبل از تصویب قانون مذکور به استخدام در آمده‌اند، حکمی مقرر نداشته است و بنابراین تسری قانون الحاقی سال ۱۳۹۵ به نیروهای استخدامی آموزش و پرورش که مشمول قانون سال ۱۳۸۸ نبوده‌اند فاقد مبنای قانونی است. ثانیاً: تبصره ۳ ماده واحده مذکور که مقرر دانسته است: «مدت سابقه خدمت دوره حق‌التدریس به تناسب خدمت تمام‌وقت با توجه به طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور و دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش و همچنین پرداخت کسورات مربوطه، در سوابق خدمت دولتی و بازنشستگی افراد قابل احتساب می‌باشد.» موید آن است که قانون الحاقی سال ۱۳۹۵ صرفاً در خصوص احتساب سنوات نیروهای حق‌التدریس پاره‌وقت تعیین تکلیف نموده است. ثالثاً: احتساب سنوات خدمت غیررسمی معلمان تمام‌وقت آموزش و پرورش در دایره شمول ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری بوده و بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۵ قانون مذکور اولین حقوق گروه و پایه رسمی و تفاوت تطبیق و فوق‌العاده شغل که در بدو خدمت رسمی به آنان تعلق می‌گیرد ملاک پرداخت کسور بازنشستگی موضوع این تبصره خواهد بود و مفاد رأی شماره ۱۴۸ - ۱۳۹۳/۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موید این امر می‌باشد و وزارت آموزش و پرورش نیز پس از انجام استعلامات مشورتی مذکور عملاً در تفاهم با صندوقهای بازنشستگی به همین روش عمل می‌کند، بنابراین اطلاق مقرره‌های مورد شکایت در این حد که به احتساب سابقه حق‌التدریس تمام وقت معلمان وزارت آموزش و پرورش بر مبنای حداقل حقوق یا دستمزد سال لازم‌الاجراء شدن قانون (سال ۱۳۹۶) تعمیم داده شده است مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۱۴- مدیران واحدهای آموزشی موظفند مفاد بخشنامه را به اطلاع کادر آموزشی رسانده و امضاء آنان را مبنی بر رویت و مطالعه و آگاهی از مفاد بخشنامه اخذ نمایند و اصل آن را جهت نگهداری در سوابق به ادارات آموزش و پرورش شهرستان/مناطق/نواحی ارسال نمایند.

۱۵- ادارات آموزش و پرورش شهرستانها، نواحی و مناطق موظفند مفاد بخشنامه را به اطلاع نیروهای مشمول که در وضعیت مرخصی زایمان، مرخصی بدون حقوق، مأموریت به سایر دستگاهها، مأمور به تحصیل و ... هستند برسانند و فرم شماره (۳) را برای این گروه از افراد تکمیل و در پرونده آنان درج نمایند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش به موجب لایحه شماره ۸۱۰/۲۴۲۱۸۹ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ توضیح داده است که:

«دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام؛

عطف به ابلاغیه شماره ۳۲۸۳۷ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۶ در خصوص کلاسه پرونده ۹۶۰۱۲۵۰ در ارتباط با شکایت خانم مریم کاویانی به خواسته ابطال بند ۷ بخشنامه شماره ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۶/۳/۱۰ موارد ذیل را در جهت رد دادخواست مشارالیه‌ها به استحضار می‌رساند:

ایراد شکلی:

۱- بر اساس بند «ت» ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست‌کننده ابطال مصوبات باید دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده را به وضوح در درخواست خود تصریح نماید که با ملاحظه دادخواست شاکی این اقدام معمول نگردیده و مشخص نیست که بخشنامه مذکور با کدامیک از موارد ذکر شده در بند «ت» ماده ۸۰ مغایرت دارد عدم اقدام در این جهت با ضمانت اجرا و حکم مقرر در بند ۳ ماده ۸۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مواجهه، لذا رد خواسته، مطابق مستند اخیر الذکر مورد استدعاست.

۲- قسمتی از مفاد، محتوا و مندرجات اظهارات شاکی دلالت و تقاضا بر محاسبه کسور بازنشستگی بر مبنای تبصره ۲ ماده ۸۵ قانون استخدام کشوری است، رسیدگی به این موضوع در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری می‌باشد، لذا تقاضا دارد با رد دادخواست، مراتب جهت رسیدگی به شعبات بدوی ارسال گردد.

دفاع ماهوی:

۱- بخشنامه شماره ۷۱۰/۵ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ بر مبنای طرح الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی صادر شده است و مفاد بخشنامه متضمن احکام و الزاماتی در جهت تعیین زمان و عطف به ماسبق نمودن تاریخ اجرای بخشنامه نمی‌باشد، بنابراین این ادعا خدش‌های بر صدور بخشنامه از حیث تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن وارد نمی‌کند و مخالف حکم مقرر در ماده ۴ قانون مدنی نمی‌باشد.

۲- شاکی اعلام نموده است طرح الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی در راستای قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸ تصویب شده است، بنابراین دریافت حق بیمه بر اساس قانون فوق صرفاً مشمول افرادی می‌شود که براساس قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش سال ۱۳۸۸ و اصلاحات و الحاقات آن بکارگیری شده‌اند و مشمول سایر معلمان حق‌التدریس نمی‌شود این ادعا نیز صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا بر اساس ماده واحده الحاقی مذکور و اطلاق آن، مشمولین این قانون معلمان حق‌التدریسی هستند که به استخدام آموزش و پرورش در آمده‌اند و تا زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون در وزارت آموزش و پرورش اشتغال دارند (فارغ از اینکه معلمان حق‌التدریس چه موقع و به موجب کدام قانون استخدام شده باشند)، این دسته از معلمان حق‌التدریس می‌توانند به منظور احتساب سابقه خدمت ایام حق‌التدریس که به تأیید وزارت آموزش و پرورش می‌رسد با پرداخت حق بیمه، سهم خود و دولت به صورت نقد (یکجا) با اقساط اقدام نمایند. بنابراین با توجه به عدم تقیید لفظ «معلمان حق‌التدریس» به قیود با شرایط محدودکننده یا زمان خاص یا قانون خاص، کلیه معلمان حق‌التدریس صرف نظر از اینکه به موجب کدام یک از قوانین و مقررات بکارگیری شده‌اند به شرطی که در زمان تصویب قانون در وزارت آموزش و پرورش اشتغال داشته باشند و بخواهند نسبت به احتساب سنوات حق‌التدریس خود به عنوان سابقه خدمت اقدام نمایند با رعایت احکام این قانون مشمول این مصوبه خواهند بود و سایر مصوبات در این خصوص ناظر بر وضعیت آنها نمی‌باشد.

۳- با توجه به تصویب طرح الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ مجلس

شماره ۹۶۰۰۵۷۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

۱۳۹۷/۱۱/۲۴

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان‌عدالت‌داری به‌شماره دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۴۵ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ با موضوع: «ابطال تعرفه شماره ۲۴۰۴ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شهرداری خارگ مصوب شورای اسلامی شهر خارگ» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۹/۲۰ شماره دادنامه: ۱۸۴۵ شماره پرونده: ۵۷۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری

شاکتی: شرکت پاکجو با وکالت آقایان سید مجتبی واعظی و منوچهر اورنگ

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۲۴۰۴ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شهرداری

خارگ مصوب شورای اسلامی شهر خارگ

گردش کار: آقایان سید مجتبی واعظی و منوچهر اورنگ به وکالت از شرکت پاکجو به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۲۴۰۴ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شهرداری خارگ مصوب شورای اسلامی شهر خارگ در خصوص عوارض استفاده از خدمات توسط فعالان اقتصادی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

احتراماً به استحضار می‌رساند شورای اسلامی شهر خارگ به موجب تعرفه شماره ۲۴۰۴ مقرر نموده کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به نوعی در محدوده و حریم شهر مبادرت به فعالیت اقتصادی می‌نمایند به دلیل استفاده از انواع خدمات شهری و ایجاد عارضه‌های مختلف موظف به پرداخت عوارض معادل ۸ درصد از حق بیمه پرداخت شده قراردادهای پیمانکاری خود می‌باشند. مصوبه مذکور دارای اشکالات قانونی به شرح ذیل به نظر می‌رسد:

۱- به موجب ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده «برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه برای ... ارائه خدماتی که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است... توسط شوراهای اسلامی... ممنوع می‌باشد» همچنین به موجب ماده ۸ قانون مذکور کلیه اشخاص که به ارائه خدمات مبادرت می‌نمایند مشمول قانون شناخته شده و به موجب ماده ۳۸ مکلف به پرداخت عوارض معادل ۱/۵ درصد گردیده‌اند بنابراین کلیه فعالیت‌های خدماتی به موجب قانون مشمول پرداخت عوارض شناخته شده‌اند و در نتیجه ملاحظه می‌فرمایید که اطلاق و عموم مندرج در تعرفه شورای شهر خارگ که هرگونه فعالیت اقتصادی و خدماتی را در بر می‌گیرد در تعارض آشکار با ممنوعیت مندرج در ماده ۵۰ قانون مارالذکر می‌باشد. مؤید این استدلال همان گونه که مستحضرد آراء متعدد دیوان از جمله دادنامه شماره ۵۵۰ - ۱۳۹۱/۸/۸ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری است که بر همین مبنا عمل مشابه مصوبه معترض‌عنه یعنی تعرفه شماره ۴۱ شورای شهر اراک را مبنی بر وضع عوارض نیم درصدی بر قراردادهای پیمانکاری ابطال نموده است چرا که به موجب ماده ۵۰ قانون مذکور وضع عوارض مضاف بر عوارض قانونی ممنوع تلقی شده است.

۲- مستحضرد که عوارض در واقع دریافتی شهرداریها در مقابل خدمات ارائه شده از ناحیه آنان است بر همین مبنا به موجب رأی شماره ۱۴۷۵ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری «اخذ عوارض بدون ارایه خدمت خاص جواز قانونی ندارد» بنابراین وضع عوارض به نحو عام بدون آنکه مشخص گردد در خصوص کدام فعالیت و در مقابل کدام یک از خدمات شهرداری تعیین گردیده خلاف صریح اصول قاعده‌گذاری و در تعارض با مفاد دادنامه موصوف به نظر می‌رسد.

۳- به موجب ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، عوارض تعیین توسط شوراها بایستی متناسب با تولید و درآمد اهالی باشد. حال آن که عوارض تعیینی توسط شورای اسلامی خارگ اولاً: براساس حق بیمه پرداختی اشخاص مشمول، وضع شده که نوعی هزینه است نه درآمد ثانیاً: میزان عوارض به اندازه‌ای زیاد است که سودی برای فعالیت‌های مربوطه باقی نمی‌گذارد و بنابراین از تناسب عرضی برخوردار نیست این موضوع مهم به نوعی در بند ج ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر... (مصوبه ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت‌وزیران) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. لذا با عنایت به جمیع جهات مطروحه و مستند به بند یک ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای رسیدگی و صدور حکم به ابطال مصوبه صدرالذکر را دارد. همچنین با عنایت به اینکه شرکت خواهان بر اساس مصوبه معترض‌عنه به موجب رأی شماره ۱۰۸۵ - ۱۳۹۵/۱/۱۹ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری خارگ محکوم به پرداخت مبلغ ۵۲۳/۸۳۱/۰۳۵ ریال گردیده که پرداخت آن خارج از توان شرکت است تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای رأی کمیسیون مذکور را نیز دارد.»

متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

تعرفه شماره ۲۴۰۴ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شهرداری خارگ مصوب شورای اسلامی شهر خارگ:

شماره ابلاغ مصوبه: ۱۱/۴۳۴۷/ش خ	شهررداری خارگ	تعرفه ۲۴۰۴
تاریخ ابلاغ مصوبه: ۱۳۸۲/۱۱/۱۳		
موضوع تعرفه: عوارض استفاده از خدمات توسط فعالان اقتصادی		
معادله محاسبه عوارض: معادل ۸٪ حق بیمه پرداخت شده = T		
توضیحات محاسبه عوارض:		
۱- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و خصوصی که به نوعی در محدوده و حریم شهر خارگ مبادرت به فعالیت اقتصادی می‌نمایند، به دلیل استفاده از انواع خدمات شهرداری و ایجاد عارضه‌های مختلف، موظف به پرداخت عوارض این تعرفه به حساب شهرداری خارگ می‌باشند.		
۲- عوارض فوق شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی اعم از ساخت ابنیه و ساختمان، تأسیسات شهری و صنعتی، راه‌سازی، فنی، طراحی، اجرائی، فضای سبز حمل و نقل، مشاوره‌ای، مطالعاتی و تحقیقاتی، نگهداری، نیروی انسانی و غیره به صورت نقدی، مبادله‌ای، تهاتر و غیره می‌باشد و شامل آن دسته از فعالیت‌های مربوط به خرید و فروش تولیدات نمی‌باشد.		
۳- مبنای محاسبه عوارض این تعرفه: حق بیمه پرداخت شده موضوع ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی می‌باشد و کلیه مشمولین موظف اند در مقابل عوارض این تعرفه به مانند حق بیمه پرداختی عمل نموده و یا هر پرداخت حق بیمه، عوارض این تعرفه را نیز به صورت غیر مستقیم (توسط استفاده‌کننده از فعالیت فعال اقتصادی) و یا مستقیم (توسط خود فعال اقتصادی) به حساب شهرداری خارگ واریز نموده و در پایان فعالیت خود مفاصاحساب شهرداری را دریافت نمایند.		
۴- کلیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و نهادها و سازمانهای عمومی، دولتی و غیر دولتی و ... که از فعالیت این گونه اشخاص استفاده می‌نمایند به عنوان مودی شناخته شده و بایستی عوارض این تعرفه را از طرف دیگر کسر و به حساب شهرداری خارگ واریز نمایند و در پایان فعالیت فعال مربوطه تسویه حساب نهائی فعال را منوط به ارائه مفاصاحساب شهرداری نمایند. ضمناً وصول آن برای شهرداری از خود فعال اقتصادی به عنوان بدهکار نیز بلامانع بوده و طرف مقابل آنها موظف به ارائه مستندات مربوطه به مأمورین موضوع ماده ۳۱ آیین‌نامه مالی شهرداریها می‌باشد.		
۵- در صورتی که فعالیتی مشمول پرداخت حق بیمه نگردد، مبنای محاسبه عوارض معادل حداقل حق بیمه موضوع ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی در موارد مرتبط با آن خواهد بود.		
۶- در صورتی که درخواست استفاده از فعالیت فعال اقتصادی در مکان دیگری صادر شده باشد، ولی انجام فعالیت و یا اثرات انجام فعالیت در محدوده و حریم شهرداری باشد، عوارض مربوطه بایستی به حساب شهرداری خارگ واریز گردد.		
۷- در صورتی که مبنای پولی فعالیت فعال اقتصادی، ارزی باشد، مبلغ عوارض با نرخ ارز مبادله‌ای زمان تعلق عوارض، محاسبه و به صورت ریالی دریافت خواهد شد.		
۸- این تعرفه از ۱۳۹۳/۱/۱ به بعد لازم‌الرعايه خواهد بود و مشمول فعالیت‌هایی است که شروع آنها از این تاریخ به بعد می‌باشد و جهت فعالیت‌هایی که شروع آنها مربوط به قبل از آن می‌باشد، جاری نخواهد بود. ضمناً تعرفه‌هایی که از لحاظ محتوا مشابه این تعرفه باشند از ۱۳۹۳/۱/۱ به بعد فاقد اثر قانونی خواهند بود.		

در پاسخ به شکایت مذکور، رییس شورای اسلامی شهر خارگ به موجب لایحه شماره ۳/۴۲۷/ش خ - ۱۳۹۶/۸/۱۴ توضیح داده است که:
«مدیر محترم دفتر هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری
موضوع: پرونده کلاسه ۵۷۸/۹۶
با سلام

احتراماً: در پاسخ به دادخواست پرونده ۰۴۶۰ - ۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۵ به کلاسه فوق موضوع تقاضای خواهان شرکت پاک جو مبنی بر ابطال تعرفه عوارض استفاده از خدمات عمومی توسط فعالان اقتصادی به شماره ۲۴۰۴ و شماره مصوبه ۱۱/۴۳۴۷/ش خ - ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ مصوب این شورا و به جهت در آن به استحضار می‌رساند:

۱- در پاسخ به قسمت مقدماتی دادخواست معروض می‌دارد، این شورا با استناد به تبصره (۱) ماده (۵۰) قانون مالیات بر ارزش افزوده و بند (۱۶) ماده (۸۰) قانون شوراهای (۷۱ سابق) کلیه لوایح برقراری عوارض شهرداری خارگ را مورد بررسی و در صورت عدم هر گونه مغایرت آنان با قوانین و مقررات نسبت به تصویب و اعلام عمومی آن در زمان مقرر اقدام می‌نماید. لذا در مراحل قانونی تصویب تعرفه کلیه ملاحظات قانونی رعایت شده است.

۲- در پاسخ به بند ۱ دادخواست معروض می‌دارد، همان گونه که خواهان عنوان نموده‌اند بر طبق ماده (۵۰) قانون مالیات بر ارزش افزوده، برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در قانون تکلیف

از سوی این شورا و شهرداری خارگ مطابق قوانین و مقررات بوده است. لذا تقاضای رد دادخواست خواهان مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به وضعیت خاص جزیره خارگ از حیث رفت و آمد، به کارگیری اشخاص و افراد در کارهای اقتصادی، پروژه‌های دولتی، نفتی، شرکتها و غیره از طریق قراردادهای پیمانکاری بوده و طبق مواد ۱۶ و ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، مالیات و عوارض شهرداری را پرداخت می‌کنند و شوراهای اسلامی در ماده ۵۰ همان قانون از وضع عوارض منع شده‌اند، بنابراین وضع عوارض بر افرادی که از طریق سازمانها، ادارات، شرکتها خدماتی به کار گرفته می‌شود، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و تعرفه شماره ۲۴۰۴ از مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۳ شورای اسلامی شهر خارگ با موضوع عوارض استفاده از خدمات توسط فعالان اقتصادی مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۱۷۶ تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان‌عدالت‌اداری به‌شماره‌دادنامه ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۲۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۶ با موضوع: «ابطال مصوبه جلسه ۳۴۶ شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ با موضوع مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۹/۱۶ شماره پرونده: ۱۱۷۶/۹۶، ۳۴۳/۹۷ شماره دادنامه: ۱۷۹۷ - ۱۵۵۵/۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: ۱- بانک پارسیان با وکالت آقای توفیق عرفانی ۲- آقای موسی زمانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال اصلاحیه مصوبه «مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ مصوب ۳۴۶ جلسه شورای اسلامی شهر تهران

گردش کار: الف) آقای موسی زمانی به موجب درخواستی ابطال مصوبه «مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ در خصوص عوارض تطویل و اصلاحیه‌های آن را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری (دام عزه العالی)

با اهداء سلام و تحیت:

احتراماً به استحضار می‌رساند در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر تهران با عنوان «عوارض تمدید پروانه ساختمانی» به علت عدم صلاحیت شورا نسبت به تصویب قوانین که از حدود و اختیار آن شورا خارج می‌باشد، بدین وسیله تقاضای ابطال مصوبه مذکور را به شرح آتی به استحضار رسانیده تا انشاء الله نسبت به استفاء حقوق شهروندی اقدام خداپسندانه‌ای صورت پذیرد.

۱- تقدیم تصویب دادنامه شماره ۱۱۷۷ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ به کلاس پرونده ۱۱۵۵/۹۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۲- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادخواست آقای امید محمدی در خصوص ابطال عوارض تمدید یا تجدید پروانه ساختمانی مصوب شورای اسلامی شهرستان کرج که شورای اسلامی شهر تهران نیز عیناً چنین مصوبه‌ای را به شهرداری مناطق تهران جهت اجرا ابلاغ نموده را با استناد به تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ که تکلیف تمدید پروانه ساختمانی و چگونگی اخذ عوارض بابت تمدید پروانه ساختمانی معین گردیده را مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال کرده است.

۳- دیوان عدالت اداری (هیأت عمومی) بر اساس دادنامه‌های متعدد در سالهای ۱۳۸۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ دریافت این نوع عوارض را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای شهر تشخیص داده است.

مالیات و عوارض آنها معین شده است توسط شوراهای اسلامی شهر ممنوع می‌باشد و در ماده (۵۲) همان قانون عنوان شده، برقراری و دریافت هر گونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد، این موضوع در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به کرات عنوان و وضعیت آن برای همگان روشن است و شهرداری خارگ و این شورا آن را مد نظر قرار داده و به هیچ عنوان چنین عوارضهایی پیشنهاد مصوب نمی‌گردد. اما برای سایر موارد، قانونگذار اجاره وضع و تصویب عوارض را داده است که از جمله آن عوارض ساختمانی است که عرضه کالا و ارائه خدمات محسوب نمی‌گردد. در خصوص عوارض مورد مطالبه نیز این موضوع به دقت در نظر گرفته و رعایت شده است، جریان از این قرار است که فعالان اقتصادی در موقع حضور در یک منطقه و انجام فعالیت خود از خدمات عمومی شهر استفاده نموده و بر این اساس عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده را از کارفرمایان خود اخذ و از طریق سازمان امور مالیاتی به حساب شهرداری واریز می‌نمایند و در واقع کارفرمایان که دعوت‌کنندگان از پیمانکاران هستند با پرداخت آن عوارض، هزینه استفاده از خدمات عمومی توسط پیمانکاران را به حساب شهرداری محل واریز می‌نمایند. در اینجا سه عنصر کارفرما قرارداد و پیمانکار وجود دارند که تکلیف هر سه آنها در قانون مالیات بر ارزش افزوده، مشخص و دیگر نمی‌توان از بابت خدمات عمومی دریافتی آنها از شهرداری محل، وجه دیگری دریافت نمود و ایضاً نمی‌توان برای قراردادی که تکلیف آن روشن شده عوارض دیگری بار نمود که این موضوع توسط شهرداری خارگ و این شورا به دقت رعایت شده است. اما سایر عوامل مورد استفاده آنان به صورت مجزا شامل مبالغی به مانند هزینه آب، برق و ... می‌گردد که بایستی توسط آنها پرداخت گردد. در این میان نیروهای تحت امر پیمانکاران که ارتباطی با سه رکن کارفرما، قرارداد و پیمانکار ندارند، به صورت مجزا از خدمات شهر استفاده نموده که به مانند سایر شهروندان می‌بایستی عوارض آن را پرداخت نمایند و تعرفه پیشنهادی شهرداری و مصوبه این شورا دقیقاً آن اشخاص که جزء هیچ کدام از سه رکن فوق‌الذکر نیستند را شامل و پیمانکاران مکلفند به ازاء تعداد کارکنان خود در منطقه معادل ۸٪ حق بیمه پرداخت شده برای آنان را به عنوان عوارض استفاده کارکنان خود از خدمات عمومی به حساب شهرداری پرداخت نمایند و این عوارض با عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده که پیمانکاران برای استفاده از لوازم و ماشین‌آلات خود که نیاز به خدمات عمومی شهر دارد و از کارفرما مبالغ آن را دریافت و به حساب شهرداری پرداخت می‌نمایند خروج موضوعی دارد. لذا همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید، عوارض موصوف با عوارض قانون مالیات بر ارزش افزوده تفاوت ماهوی داشته و به هیچ عنوان عوارض مضاعف نمی‌باشد.

۳- در پاسخ به بند ۲ دادخواست معروض می‌دارد، شاکلی با نگارش این بند به نوعی قبول عوارض را عنوان نموده‌اند اما برای روشن شدن ذهن آن عالی مقامان اعلام می‌دارد، بر طبق مواد متعدد قانونی، شهرداریها موظف به ارائه خدمات عمومی می‌باشند و برای خدمات اختصاصی خود و بر طبق بند (۲۶) ماده (۸۰) قانون شوراها (۷۱ سابق) بهای خدمات تعیین و پس از تصویب شورای شهر و با ارائه مستقیم آن نسبت به دریافت آن از استفاده‌کنندگان از خدمات اقدام می‌نمایند و این موضوع که شخصی به صورت کلی واژه خدمات را عنوان نماید، با قوانین و مقررات مطابقت ندارد. در این رابطه لازم به توضیح است که شهرداری خارگ خدمات عمومی متعددی انجام می‌دهد که بدون وجود این خدمات ارائه هرگونه فعالیتی در منطقه بسیار سخت و حتی در مواقعی غیر ممکن خواهد بود، از جمله آن ایجاد معابر متعدد برای دسترسی راحت به محل‌های مورد فعالیت و بنادر ایجاد پارکینگ عمومی، فرهنگسرا، ورزشگاه و دهها خدمات عمومی دیگر که پیمانکاران مراتب مربوط به فعالیت خود را با دریافت عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده از کارفرمایان و پرداخت آن به حساب شهرداریها جبران و کارکنان آنان نیز که به صورت مجزا در وقت آزاد خود از خدمات عمومی شهر استفاده می‌نمایند، با پرداخت عوارض متنازع فیه، هزینه خدمات را به حساب شهرداری واریز می‌نمایند.

۴- در پاسخ به بند ۳ دادخواست عنوان می‌دارد، به موجب ماده (۷۷) قانون شوراها، عوارض تصویبی می‌باید با درآمد اهالی تناسب داشته ولیکن مبنای آن براساس نوع فعالیت آنها و آیت‌های مرتبط با آن تعیین و میزان عوارضی معادل ۸٪ حق بیمه پرداخت شده مبنای عوارض پیمانکاران است و به معنی تعیین عوارض برای هزینه نمی‌باشد. ضمناً در تعیین آن عدالت به صورت کامل و عدم هر گونه بار سنگین به درآمد آنان لحاظ شده است به عنوان مثال اگر پیمانکاری دارای پنج نیرو باشد که برای یک پروژه که حداکثر مدت زمان آن یکسال باشد مبلغی حدود ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق بیمه برای آنان پرداخت نماید عوارض پرداختی برای آنان حدود ۴/۸۰۰/۰۰۰ ریال خواهد بود لذا، همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید در تصویب تعرفه جانب عدالت و تناسب آن با درآمد اهالی به درستی در نظر گرفته و رعایت شده است. حال با توجه به موارد معنونه در فوق و همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید، موضوع عوارض مصوب این شورا با موارد مطروحه از سوی خواهان و سایر موارد ابطالی آن دیوان تفاوت داشته و اقدامات صورت پذیرفته

۴- با توجه به صدور آراء از سوی هیأت عمومی نسبت به دادخواست آقای امید محمدی مناسفانه در شهرهای دیگر چنین وجوهی به لحاظ عدم ارائه دادخواست از سوی شهروندان دریافت می‌گردد در صورتی که به استناد ماده ۱۴ آیین‌نامه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای شهر سال ۱۳۷۸ نیز اقتضاء می‌کند وقتی اخذ عوارضی از شهروندان بخشی از این کشور که در مغایرت با قانون شناخته شده است، نمی‌توان اخذ همان وجه را از شهروند دیگری جایز و قانونی قلمداد کرد. لذا به لحاظ حفظ حقوق شهروندی و اصل برابری افراد برابر قانون و قاعده هماهنگی و اصل وحدت رویه و ایجاد یکنواختی در مصوبات خلاف قانون ضروری است.

۵- شایان ذکر است ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ مندرج در روزنامه رسمی ۷۷۷ - ۱۳۹۴/۲/۳۰ مقرر می‌دارد «درخواست یا دریافت وجه مازاد بر عوارض قانونی هنگام صدور پروانه یا بعد از صدور پروانه توسط شهرداریها ممنوع می‌باشد» همچنین به موجب نظر فقهای شورای نگهبان، دریافت وجه با تجویز آیین‌نامه و دستورالعمل مغایر شرع است.

لذا از آن مقام استدعا دارد وفق صدر ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ که مقرر گردیده چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردد... رعایت مفاد رأی هیأت عمومی جهت مصوبات بعدی الزامی است درخواست ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر تهران و جلوگیری از اخذ عوارض غیر قانونی شهرداری تهران از زمان تصویب و خارج از نوبت را دارم.»

متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«مصوبه اصلاحیه مصوبه «مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۰۲۵۷ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ (مشتمل بر ماده واحده)

(ممهور به مهر شورای اسلامی شهر تهران)

مصوب جلسه ۳۴۶ شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ ماده واحده :

از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این مصوبه مفاد ماده واحده مصوبه «اصلاحیه مصوبه مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» و تبصره‌های آن، ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۰۲۵۷ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ تصویبی در دویست و سی و چهارمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر تهران (دوره چهارم) به تاریخ سه‌شنبه ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

الف - ماده واحده (اصلاحی):

«به استناد تبصره یکم (۱) ماده پنجاهم (۵۰) قانون مالیات بر ارزش افزوده و با عنایت به مفاد بند چهاردهم (۱۴) ماده ۵۵ قانون شهرداریها، به منظور کاهش زیان و خسارات ناشی از عملیات ساختمانی بر محیط زیست، سیما و منظر شهری، ایمنی عابرین و امنیت شهر و همچنین پیشگیری از آسیبهای اجتماعی، شهرداری تهران موظف است از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این مصوبه از کلیه ساختمانهای (دولتی، عمومی، خصوصی و شهرداری تهران) که پس از گذشت یکسال از مهلت قانونی مندرج در پروانه ساختمانی، عملیات ساختمانی آنها به اتمام نرسیده است، عوارض تطویل دریافت نماید. این قبیل ساختمانها تا یک سال پس از انقضای مهلت قانونی مندرج در پروانه ساختمانی، مشمول عوارض تطویل نمی‌باشند و در سال دوم عوارض مذکور بر اساس فرمول و جدول ذیل محاسبه و اخذ می‌شود. در سنوات بعد از آن به ازای هر سال تطویل ۵٪ به مبالغ محاسبه شده اضافه می‌گردد.

$$DE = \left(\frac{1}{12} P5 \right) \text{ ماهانه به صورت ماهانه}$$

P: ارزش معاملاتی گرانترین گذر قابل دسترسی ملک بر اساس آخرین دفترچه ارزش معاملاتی املاک مصوب (موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم) که از ابتدای هر سال ملاک عمل خواهد بود.

S: مساحت ناخالص کل زیر بنا

مرحله ساختمانی	ضرب عوارض تطویل
تا مرحله اتمام فونداسیون	DE ۱/۴ (یک و چهاردهم)
از اتمام فونداسیون تا اتمام مرحله اسکلت و سقف	DE ۱/۳ (یک و سه دهم)
از اتمام اسکلت و سقف تا اتمام مرحله سفت کاری	DE ۱/۱ (یک و یک دهم)
از مرحله اتمام سفت کاری تا مرحله اجرای نازک کاری بدون نما	DE

ب - تبصره یکم (۱) ذیل ماده واحده حذف می‌گردد.

ج - تبصره چهارم (۴) به شرح ذیل اصلاح و جایگزین می‌شود.

تبصره چهارم (۴) (اصلاحی): تمدید پروانه ساخته نشده در صورت عدم تغییر در عرض گذر و پهنه‌بندی «با حفظ حقوق قبلی» صرفاً برای یک بار امکان‌پذیر است. برای اینگونه پروانه‌ها، ملاک محاسبه عوارض تأخیر در تکمیل ساختمان‌سازی، زمان مندرج در مجوز «پروانه تمدید ملک ساخته نشده» می‌باشد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تهران به موجب لایحه شماره ۱۶۰/۱۰۸۶۰ - ۱۳۹۷/۴/۲۴ توضیح داده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۱۶۰۰۳۴۳ با شماره ۹۷۰۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۲۰۷

با سلام و احترام

عطف به پرونده کلاسه ۹۷۰۰۳۴۳ موضوع مکاتبه مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۳ مدیریت دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ثبت شده به شماره ۱۶۰/۷۵۹۶ - ۱۳۹۷/۳/۲۳ در دبیرخانه شورای اسلامی شهر تهران در خصوص ارسال نسخه دوم دادخواست آقای موسی زمانی امناب به خواسته ابطال «مصوبه مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۰۲۵۷ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ به عنوان عوارض تطویل و اصلاحیه‌های آن» مراتب ذیل را در رد خواسته یاد شده به استحضار می‌رساند:

۱- همان گونه که مستحضرد، حسب مندرجات بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری، اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطرات در معابر عمومی، کوچه‌ها و اماکن عمومی از جمله وظایف شهرداری است. بر این اساس و به منظور پیشگیری از تطویل در ساخت و پیشگیری از خطرات احتمالی از یک سو و ضرورت اعمال مقررات جدید در ساختمانهایی که احداث آنها بیش از مدت پیش‌بینی شده در پروانه طول می‌کشد، شوراهای اسلامی شهرها برای پروانه‌های ساختمانی مدت اعتبار تعیین می‌نمایند. بدیهی است پس از اتمام مهلت یاد شده و عدم اتمام ساختمان به علت تأخیر مالک، تمدید پروانه‌های ساختمانی و بررسی انطباق آنها با مقررات جدید احتمالی ضروری است و تبعاً تمدید پروانه ساختمانی مشمول عوارض نیز خواهد شد.

۲- حسب مندرجات بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات بعدی آن «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن» در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.

۳- همان گونه که مستحضرد بر مبنای تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، وضع عوارض محلی که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده بر عهده شورای اسلامی شهر و بخش است.

۴- همان گونه که مستحضرد، بر مبنای ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر این قانون لغو گردیده است.

۵- طبق ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ مرجع تعیین نحوه وضع و وصول عوارض در مورد شهرها، شوراهای اسلامی شهرها هستند.

۶- طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اخیرالذکر یکی از سیاستهای دولت که باید در مصوبات شوراهای رعایت شود، نیل به سمت خودکفایی شهرداری و نهایتاً تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر است.

۷- علاوه بر مراتب معروضه، موضوع مصوبه مورد اعتراض، عوارض تمدید پروانه ساختمانی است و وضع این عوارض همانند وضع اصل عوارض صدور پروانه ساختمانی در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.

با توجه به مراتب معروضه، مبنی بر صلاحیت شورای اسلامی شهر در وضع عوارض تمدید پروانه ساختمانی، رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعاست.»

ب) آقای توفیق عرفانی به وکالت از بانک پارسیان به موجب دادخواستی ابطال اصلاحیه مصوبه «مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» ابلاغی به شماره ۱۶۰/۴۳۸/۱۶۵۹۲ - ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ مشتمل بر ماده واحده و چهارده تبصره با اصلاحات بعدی آن مصوب ۲۳۴ جلسه شورای شهر تهران (دوره چهارم) ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۰۲۵۷ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ و اصلاحیه آن مصوب ۲۴۱ جلسه شورای شهر تهران (دوره چهارم) و ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۱۶۷/۳۲۸۹۸ - ۱۳۹۴/۱۲/۵ و مصوب اصلاحیه مصوبه «اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره» ابلاغی به شماره ۱۵۸/۳۰۲۵۷ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ [۱۳۹۴/۱۱/۱۴ - ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۰۲۵۷] مصوب ۳۶ جلسه شورای اسلامی شهر تهران «دوره چهارم» ابلاغی به شماره ۱۶۱/۲۳۱۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ [مصوب ۳۴۶ جلسه شورای اسلامی شهر تهران «دوره چهارم» ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳] به لحاظ مغایرت با شرع و قانون و خارج از حیطه اختیارات قانونی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

اثر از دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و اماکن عمومی و پرکردن و پوشاندن چاهها واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکنها و جلوگیری از نصب ناودانها و دودکش ساختمان‌هایی است که باعث زحمت و خسارت ساکنین نیر باشد و در هیچ یک از تبصره و بند استنادی اجازه تصویب عوارض و مطالبه و وصول آن بدون ارائه خدماتی از طرف شهرداری داده نشده است و از این لحاظ نیز تصویب ماده واحده و تبصره‌های مورد شکایت آن فاقد مستند و مجوز قانونی بوده و قابل ابطال است.

۷- همان طوری که در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز آمده است از تاریخ تصویب مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده کلیه قوانین خاص و عام مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض به واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لفو گردیده و فقط موارد هشتمگانه مذکور در ذیل ماده ۵۲ مرقوم از شمول این قانون مستثنی گردیده و مشمول دریافت عوارض می‌باشند و اخذ عوارض بدون ارائه خدمات از طرف شهرداری نیز مشمول هیچ یک از موارد استثناء شده و هشتمگانه مذکور نمی‌باشد و اصولاً در هیچ یک از قوانین و مقررات موضوعه اخذ عوارض برای تطویل احداث ساختمان یا تأخیر در ساختمان یا اخذ عوارض برای ساختمان نیمه‌تمام و رها شده و یا تطویل ساختمان پیش بینی و مقرر نگردیده است و علیهذا مصوبه مورد شکایت و تبصره‌های مورد شکایت آن مغایر با ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز می‌باشد و قابل ابطال است.

۸- باتوجه به مراتب فوق الاشعار و نظر باینکه وضع قاعده آمره در باب اخذ هرگونه وجوه و از جمله عوارض شهرداری به قوه مقننه اختصاص دارد بنابراین وضع قاعده آمره از طرف شورای شهر تهران و شهرداری تهران در خصوص تصویب و وصول عوارض برای تطویل احداث ساختمان و یا تأخیر در احداث ساختمان و یا عوارض برای ساختمانهای نیمه‌تمام و رها شده و یا تطویل در اجرای پروژه‌های ساختمانی خروج از اختیارات قانونی بوده و مغایر با شرع انور اسلام و قانون اساسی (اصول ۴ و ۵۱ و ۵۷) و مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مورد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی ایران و دارا شدن غیر عادلانه و استفاده بلاجهت می‌باشد علیهذا مستنداً به مواد ۸۰ و ۸۷ و ۸۸ و ۹۲ و بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال ماده واحده و تبصره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و اصلاحی و ۵، ۶، ۷، ۱۰ و ۱۳ مصوب ۱۳۹۴ و بند ج تبصره ۴-اصلاحی مصوب ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر تهران بشرح مندرج در ستون خواسته را دارد.

شاکي به موجب لایحه تکمیلی شماره ۵۵۶ - ۱۳۹۶/۷/۱۵ اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

پیرو دادخواست تقدیمی به وکالت از طرف بانک پارسیان به خواسته ابطال مصوبه کمیسیون اخذ عوارض پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره و تطویل اتمام ساختمان و تاخیر در اتمام ساختمان و تاخیر در اتمام پروژه ابلاغی ۱۶۵۹۲ - ۱۶۰/۴۳۸ - ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ - مشتمل بر ماده واحده و چهارده تبصره با اصلاحات بعدی آن به صورت صورتجلسه ۲۳۴ شورای اسلامی شهر تهران دوره چهارم ابلاغیه به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۲۵ - ۱۳۹۴/۱/۱ و اصلاحیه آن مصوب جلسه ۲۴۱ شورای اسلامی شهر تهران دوره چهارم و ابلاغیه شماره ۱۶۰/۲۱۶۷/۲۲۸۹۸ - ۱۳۹۴/۲/۵ - نظر به اینکه در آن هیأت در موارد مشابه از جمله مصوبه شورای اسلامی شهر شهرضا و شورای اسلامی شهر قم رأی بر ابطال مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای مذکور به لحاظ عدم ارائه خدمات در قبال مطالبه و اخذ عوارض و برخلاف قانون بودن و خروج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده به شماره‌های ۴۰۸ - ۱۳۹۶/۵/۳ و ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ صادر گردیده است علیهذا تقاضای ابطال مصوبات فوق الاشعار شورای اسلامی شهر تهران را از تاریخ تصویب مصوبات یاد شده مورد شکایت موکل را دارد. ضمناً در حال حاضر و در وضع موجود پرونده شکایتی از نظر خلاف شرع بودن مصوبات ندارم و خواستار رسیدگی به پرونده را بر اساس ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پس از تبادل در هیأت‌های تخصصی و هیأت عمومی را خواستارم.»

شاکي متعاقباً به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۴۹۰ - ۱۳۹۶/۷/۳۰ ثبت دفتر هیأت

عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

«پیرو دادخواست و لایحه تقدیمی مبنی بر تقاضای ابطال مصوبات غیر قانونی شورای اسلامی شهر تهران که تحت کلاسه ۹۸۳/۹۶ در آن هیأت در جریان رسیدگی است و به وکالت از بانک پارسیان و در اجرای اصول ۴، ۵۱، ۵۷ و ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مستنداً به مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی ایران و مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان موصوف درباره ابطال مصوبات چندین شهرستان ایران در مورد ابطال مصوباتی که شوراهای اسلامی برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات خود تصویب نموده‌اند به خصوص آرای ۴۰۸ - ۱۳۹۶/۵/۳ و ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ که دقیقاً در مورد مشابه صادر گردیده است تقاضای اصدار دستور موقت به منظور جلوگیری از عملیات اجرایی وصول وجوه مندرج در قبضه‌های درآمد عمومی شهرداری تهران موضوع دستور

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: سلام علیکم

با کمال احترام و به وکالت از بانک پارسیان و در اجرای اصول ۴ و ۵۱ و ۵۷ و ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مستنداً به آیه شریفه ۲۹ سوره نساء از قرآن مجید و مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی ایران و مواد ۸۸ - ۸۷ - ۸۰ - ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان موصوف درباره ابطال مصوبات چندین شهرستان ایران در مورد ابطال مصوباتی که شوراهای اسلامی بر خلاف قانون و برخلاف شرع و خارج از حدود اختیارات خود تصویب نموده‌اند مراتب زیر را به استحضار عالی می‌رساند:

۱- مورد شکایت اصل ماده واحده فوق‌الاشاره و تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ اصلاحی و ۵ و ۶ و ۷ مصوب ۱۳۹۴ و بند ج تبصره ۴ (۴ اصلاحی) مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۳ می‌باشد و با توجه به اینکه به جدول مذکور در ذیل ماده واحده ۱۳۹۴ دسترسی حاصل نیست علیهذا در صورت لزوم تقاضای مطالبه فرمول و جدول مذکور، از شورای شهر تهران دارد.

۲- هر چند صدر مصوبه ظاهراً عنوان عوارض تمدید پروانه ساختمانی دارد ولی تبصره‌های مورد شکایت حکایت از تصویب عوارض تنبیهی با عناوین عوارض تطویل ساختمان و عوارض ساختمانهای نیمه‌تمام و رها شده، عوارض تأخیر در اجرای پروژه، عوارض عدم تکمیل ساختمان و تعیین مهلت سه ماهه برای پرداخت عوارض دارد. بدیهی است کسانی که نتوانسته باشند ساختمانی را که برای آن پروانه ساختمانی اخذ نموده‌اند چنانچه در مهلت مقرر عملیات ساختمانی را به پایان نرسانیده باشند باید جهت ادامه ساختمان به شهرداری مراجعه و با پرداخت عوارض متعلقه پس از کسر عوارض پرداختی برای پروانه اولیه، اقدام به تحویل و تمدید پروانه ساختمانی نمایند. ولی وضع و تصویب عوارض تحت عناوین یاد شده و یا تعیین مهلت سه ماهه برای پرداخت عوارض مورد مطالبه و آن هم بدون آن که خدماتی از طرف شهرداری ارائه و انجام شده باشد فاقد مستند شرعی و قانونی و خروج از حدود اختیارات شوراها و ورود به محدوده قوه مقننه و برخلاف اصل تفکیک قوا موضوع اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳- مصوبات مذکور برخلاف شرع و از مصادیق «اکل مال بباطل» موضوع آیه شریفه ۲۹ سوره نساء در قرآن مجید می‌باشد (لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل) زیرا مطالبه عوارض فرع بر ارائه خدمت می‌باشد و مادامی که شهرداری خدماتی در خصوص مورد ارائه نکرده باشد استحقاق دریافت عوض آن و تعیین عوارض را ندارد از طرفی در مطالبه عوارض غیرقانونی مذکور، (که برخلاف قانون مهلت سه ماهه برای پرداخت عوارض تعیین شده است) سرانجام منجر به صدور اجرائیه موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری و وصول اجباری از مال مردم می‌گردد که این امر نیز برخلاف مدلول حدیث نبوی (حرمت = حرمت مال المؤمن کحرمته دمه) حرام و ممنوع و برخلاف شرع انور اسلام می‌باشد و علیهذا مصوبات مذکور یلحاظ آنکه برخلاف شرع و اصل چهارم قانون اساسی است قابل ابطال در هیأت عمومی است.

۴- مصوبه مورد شکایت و تبصره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳ و بند (ج) تبصره ۴ اصلاحی سال ۱۳۹۶ برخلاف اصول ۴ و ۵۱ و ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد زیرا به موجب اصل ۵۱ مذکور هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون، عوارض نیر نوعی مالیات است با این تفاوت که مالیات در سراسر کشور هزینه می‌شود ولی عوارض مصرف محلی دارد و در قوانین مربوط، اخذ عوارض بدون ارائه خدمات وضع و مقرر نگردیده است از طرفی اصول حقوقی برای آنکه ایجاد الزام قانونی نماید، باید در قالب قوانین و مقررات موضوعه و شرعی باشد که در اجرای اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صریحاً متجلی و بیان شود و از آنجائی که طبق اصل ۴ یاد شده کلیه قوانین و مقررات مدنی جزائی، مالی، اقتصادی و اداری باید براساس موازین اسلامی باشد و با توجه به اینکه وضع و تصویب و مطالبه و اخذ عوارض بدون ارائه خدمات از مصادیق اکل مال بباطل می‌باشد علیهذا مصوبه و تبصره‌های مورد شکایت مغایر با اصل ۴ قانون اساسی بوده و از این دیدگاه نیز قابل ابطال می‌باشد.

۵ - مصوبه مذکور از لحاظ آن که بدون ارائه خدمات وصول می‌گردد مغایر با آرای متعددی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آرای ۳۸۱ - ۱۳۹۰/۹/۲، ۲۴۱ - ۱۳۹۰/۶/۷، ۸۵ - ۱۳۹۶/۲/۱۲، ۸۳۵ - ۱۳۹۶/۲/۲۱، ۱۹۰ - ۱۳۹۶/۳/۲ و ۱۸۹ - ۱۸۶ - ۱۳۹۶/۳/۲ می‌باشد که در موارد مشابه «وضع و تصویب عوارض بدون ارائه خدمات و خروج از حدود اختیارات» صادر شده است و براساس ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز رعایت مفاد آرای مذکور برای مرجع تصویب‌کننده آن لازم‌الرعايه می‌باشد علیهذا در راستای اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز قابل ابطال می‌باشد.

۶- مستند شورای اسلامی شهر تهران در تصویب ماده واحده‌های یاد شده تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بند چهاردهم ماده ۵۵ قانون شهرداری است. در صورتی که تبصره یک درباره اطلاع‌رسانی و اعلام عمومی عوارض محلی جدید حداکثر تا پایان پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرای آن در سال آینده است. بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری نیز درباره تکلیف شهرداری برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و رفع

به شماره ۱۶۰/۴۳۸/۶۵۹۲ [۱۶۰/۴۳۸/۱۶۵۹۲] - ۱۳۸۲/۱۱/۸ با اصلاحات بعدی آن ...»
الی «... ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳...» و به شرح موضوع شکایت
و خواسته، مراتب ذیل را در رد خواسته یاد شده به استحضار می‌رساند:

۱- همان گونه که مستحضرید حسب مندرجات بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات،
وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات
بعدی آن «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن در
صلاحیت شورای اسلامی شهر است».

۲- ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب
شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات بعدی آن مقرر می‌دارد: «شورای اسلامی شهر می‌تواند
نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تأمین بخشی از
هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران اقدام نماید».

۳- طبق ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی
شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، مرجع تعیین نحوه وضع و وصول
عوارض در مورد شهرها، شوراهای اسلامی شهرها هستند. در مصوبه مورد اعتراض نیز
به همین نحو عمل شده است.

۴- طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اخیرالذکر یکی از سیاستهای دولت که باید در مصوبات شوراهای
رعایت شود، نیل به سمت خودکفایی شهرداری و نهایتاً تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و
عمرانی مورد نیاز شهر است. در مصوبه مورد اعتراض نیز به همین نحو عمل شده است.

۵- بر مبنای تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، وضع عوارض
محلّی که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده بر عهده شورای اسلامی شهر و بخش است.

۶- بر مبنای ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، کلیه قوانین و مقررات خاص و
عام مغایر این قانون لغو شده است.

۷- با توجه به مراتب معروضه فوق، ملاحظه می‌فرمایید وضع، لغو و تغییر نوع و میزان
عوارض محلّی که تکلیف آن در قانون مالیات بر ارزش افزوده تعیین نشده، در صلاحیت
شورای اسلامی شهر است.

۸- از سوی دیگر با عنایت به ماده ۸ آیین‌نامه نحوه وضع و وصول عوارض مصوب
۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، در صورتی که مودیان در مورد میزان و نحوه محاسبه و وصول و
سایر موضوعات عوارضی که توسط شوراهای وضع می‌گردد اعتراض و یا شکایتی دارند مرجع آن
کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد. به استناد تبصره ذیل ماده ۸ آیین‌نامه اخیرالذکر
دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها است.
شاکتی بدون طی مراحل مذکور به دیوان عدالت اداری مراجعه و درخواست ابطال
مصوبه را نموده است.

۹- با عنایت به مراتب فوق در صورتی که شاکتی به میزان و نحوه محاسبه عوارض
شکایت دارد می‌بایست مسیر مقرر در قانونی را طی نماید.

با توجه به مراتب معروضه فوق رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعاست.
نظر به اینکه در خصوص خواسته مبنی بر تقاضای ابطال اصلاحیه مصوبه «مجوز اخذ
عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره ابلاغی به شماره ۱۶۰/۴۳۸/۱۶۵۹۲ - ۱۳۸۲/۱۱/۸
مصوب ۲۳۴ جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۴ شورای اسلامی شهر تهران و اصلاحیه‌های بعدی آن،
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیشتر به موجب دادنامه شماره ۳۰۸ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ مصوبه
فوق‌الذکر را ابطال کرده است، در اجرای ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت
اداری مصوب سال ۱۳۹۲ قرار رد شکایت به شماره دادنامه ۱۵۵۵ - ۱۳۹۷/۷/۱۰ صادر شده است.
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۶ با حضور رئیس و معاونین
دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از
بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷،
روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض تمدید پروانه‌های ساختمانی پیش بینی کرده
است و در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض تمدید پروانه
ساختمان در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات
تشخیص و ابطال شده است، بنابراین مصوبه جلسه ۳۴۶ شورای اسلامی شهر تهران (دوره
چهارم) ابلاغی به شماره ۱۶۰/۲۳۰۷/۵۵۱۴ - ۱۳۹۶/۳/۱۳ با موضوع مجوز اخذ عوارض
تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره به دلایل مندرج در دادنامه شماره ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ و
شماره ۳۰۸ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از
حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات
و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

دریافت ۱۳۷۴۲۶ - ۱۳۹۵/۸/۲۴ با شماره سریالهای ۹۵۱۴۷۰۰۷۳۵۸ و ۹۵۱۴۷۰۰۷۳۵۷
مربوط به پلاک ثبتی ۴۴۷۶/۱۷۴۵۹۹ واقع در میدان شهدا خیابان پیروز پلاک آبی ۷۷۷
را تا تعیین تکلیف پرونده در هیأت عمومی به دلایل زیر تقاضا می‌نماید:

هر چند صدر مصوبه ظاهراً عنوان عوارض تمدید پروانه ساختمانی دارد ولی تبصره‌های
مورد شکایت حکایت از تصویب عوارض تنبیهی با عناوین عوارض تطویل ساختمان و
عوارض ساختمانهای نیمه‌تمام و رها شده، عوارض تاخیر در اجرای پروژه، عوارض عدم
تکمیل ساختمان و تعیین مهلت سه ماهه برای پرداخت عوارض دارد. ولی وضع و تصویب
عوارض تحت عناوین یاد شده و یا تعیین مهلت سه ماهه برای پرداخت عوارض مورد
مطالبه و آن هم بدون آن که خدماتی از طرف شهرداری ارائه و انجام شده باشد فاقد مستند
شرعی و قانونی و خروج از حدود اختیارات شوراهای و ورود به محدوده قوه مقننه و برخلاف
اصل تفکیک قوا موضوع اصل ۵۷ و اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد.

۲- مصوبه مذکور از لحاظ آن که بدون ارائه خدمات وصول می‌گردد مغایر با آرای
متعدد هیأت دیوان عدالت اداری از جمله آرای ۴۰۸ - ۱۳۹۶/۵/۳، ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳، ۳۸۱ -
۱۳۹۰/۹/۲، ۲۴۱ - ۱۳۹۶/۶/۷، ۸۳۵ - ۱۳۹۶/۲/۲۱، ۱۹۰ - ۱۳۹۶/۳/۲، ۱۸۶ - ۱۳۹۶/۳/۲ می‌باشد که
در موارد مشابه «وضع و تصویب عوارض بدون ارائه خدمات و خروج از حدود اختیارات صادر
گردیده است و بر اساس ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز رعایت
مفاد آرای مذکور برای مرجع تصویب‌کننده آن لازم‌الرعايه می‌باشد علیهذا در راستای اجرای ماده
۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز قابل ابطال می‌باشد.

۳- همان طوری که در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز آمده است
از تاریخ تصویب مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده کلیه قوانین خاص و عام
مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیر مستقیم و عوارض به واردات و تولید کالاها و ارائه
خدمات لغو گردیده و فقط موارد هشتگانه مذکور در ذیل ماده ۵۲ مرقوم از شمول این
قانون مستثنی گردیده و مشمول دریافت عوارض می‌باشند و اخذ عوارض بدون ارائه خدمات
از طرف شهرداری نیز مشمول هیچ یک از موارد استثنا شده و هشتگانه مذکور نمی‌باشد و
اصولاً در هیچ یک از قوانین و مقررات موضوعه اخذ عوارض برای تطویل احداث ساختمان
یا تأخیر در ساختمان یا اخذ عوارض برای ساختمان نیمه‌تمام رها شده و یا تطویل ساختمان
پیش‌بینی و مقرر نگردیده است علیهذا مصوبه مورد شکایت و تبصره‌های مورد شکایت آن
مغایر با مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز می‌باشد و قابل ابطال است.

۴- نظر به اینکه شهرداری تهران به استناد مصوبات غیر قانونی شورای اسلامی شهر
تهران ابلاغی ۱۶۵۹۲ - ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ - ۱۰/۴۳۸ - مشتمل به ماده واحده و چهارده تبصره
با اصلاحات بعدی آن به صورت صورتجلسه ۲۳۴ شورای اسلامی شهر تهران دوره چهارم
ابلاغیه به شماره ۱۶۰/۲۱۵۸/۳۲۵ - ۱۳۹۴/۱/۱۴ و اصلاحیه آن مصوب جلسه ۲۴۱
شورای اسلامی شهر تهران دوره چهارم و ابلاغیه شماره ۱۶۰/۲۱۶۷/۲۸۹۸ - ۱۳۹۴/۱۲/۵
بدون آن که تکلیف قانونی خود مبنی بر اینکه مطالبه عوارض را به مودی (بانک پارسیان)
ابلاغ نماید تا موکل بتواند از حقوق قانونی موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداریها استفاده نماید
اقدام به اصدار قبضه‌های درآمد عمومی شهرداری و دستور دریافت ۱۲۷۴۲۶ - ۱۳۹۵/۸/۲۴
با شماره سریالهای ۹۵۱۴۷۰۰۷۳۵۸ و ۹۵۱۴۷۰۰۷۳۵۷ مربوط به پلاک ثبتی ۴۴۷۶/۱۷۴۵۹۹
واقع در میدان شهدا خیابان پیروزی پلاک آبی ۷۷۷ نموده است در صورتی که هیأت
عمومی دقیقاً در موارد مشابه مصوبات شوراهای اسلامی شهرها و قم را به شماره‌های
۴۰۸ - ۱۳۹۶/۵/۳ و ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ را ابطال نموده است و نظر به اینکه با وصول
عوارض مندرج در قبضه‌های درآمد عمومی شهرداری از طریق برداشت از حسابهای بانکی
بانک موکل، استرداد آن از شهرداری بسیار متعسر و تقریباً غیرممکن می‌باشد و علیرغم
تصرف شهرداری وجوه موجود در حسابهای بانکی متعلقه به مشتریان بانک بوده و در نزد
بانک به امانت است علیهذا مستنداً به دلایل فوق و مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون
تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تقاضای اصدار دستور موقت مبنی بر جلوگیری
از عملیات اجرایی مربوط به وصول عوارض یاد شده را تا تعیین تکلیف پرونده در هیأت
عمومی دیوان عدالت اداری را دارد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تهران به موجب لایحه
شماره ۱۶۰/۲۷۵۵۹ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ توضیح داده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۱۱۷۶/۹۶ با شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۸۳۷

با سلام و احترام

عطف به پرونده ۱۱۷۶/۹۶ موضوع مکاتبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۶ مدیر دفتر هیأت
عمومی دیوان عدالت اداری ثبت شده به شماره ۱۶۰/۲۴۶۸۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۴ در دبیرخانه
شورای اسلامی شهر تهران در خصوص ارسال نسخه دوم دادخواست بانک پارسیان به خواسته
«ابطال اصلاحیه مصوبه مجوز اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانهای نیمه‌کاره ابلاغی